

را که شاهزاده نصرت الدوله فرمودند که با آن کلمه مالکیت این مسئله را رد می کند

ما که نمیدانیم سینکدر و شرکایش تمام اتباع آمریکا هستند باخیر ممکن است در بین شرکاه سینکدر اشخاصی باشند که اتباع دول دیگر باشند و آن وقت این حق را ساقط کرده ایم و اگر یک کلمه اینجا اضافه شود تصور می کنیم خوب است

مغیر - بنده اصلاح این اصلاح را خوب ملتفت نشدم که مقصودشان چیست ؟ آقا میرزا شهاب الدین - بنده از کلمه متفق علاوه شود که از اتباع ایران یا آمریکا باشد

مغیر - در کدام قسمت رئیس - در سطر پنج مغیر - یا در تحت قوانین یکی از ممالک یا قطعات دول متفق آمریکان تشکیل داده شود

هرمزی - که از اتباع ایران یا آمریکا باشد

مغیر - این اعتراضی وارد نیست برای اینکه بعد از اصلاحی که در ترجمه آن شده اشکال حضرت والا را فراموش می کند من خودم ابتدا تصدیق داشتم ولی پس از اصلاح آن اگر وقت بفرمائید رفع اشکال ایشان میشود

زیرا جمله اول بکلی انتقال امتیاز را بدو اتباعت خارج منع میکند باز هم جمله دیگری از علاوه شروع میشود و می نویسد و علاوه این امتیازها به هیچکس و به هیچ شکلی نمیتوان انتقال داد مگر بطریق ذیل علاوه یعنی بهیچ شکل دیگر هم به هیچ کس انتقال داده نمی شود مگر بطریق ذیل

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمائید (همه مهردوی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای آقامیرزا شهاب (بهضون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که بعد از عبارت یا شرکت های فرعی جمله ایرانی یا آمریکائی مستقل اضافه شود

رئیس - تقریباً همان پیشنهادی است که روشد - آقای مغیر چه میگویند مغیر - این هم صورت همان پیشنهاد را دارد و اگر در این صورت برای مجلس رئیس - آقای آقامیرزا شهاب (اجازه) آقامیرزا شهاب الدین - چون توضیحاتی که آقای مغیر در جواب آقای مشاور اعظم دادند بنده را متقاعد نکرد و توضیحات ایشان بیشتر بنده را ارضا کرد که این پیشنهاد را بکنم و گمان میکنم که اضافه شدن اینجمله ایرانی یا آمریکائی مستقل ضروری نداشته

باشد و از بعضی منظورانی هم که اغلب آقایان را اقرار گرفته است راحت می شوند و آقایان را از خیال خارج می کند

رئیس - رای میگیریم امیراحشام - مجدداً قرائت شود (دوم مرتبه بشرح گذشته قرائت شد) رئیس - آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه می دانند قیام فرمائید (همه قیام نمودند) رئیس قابل توجه شد پیشنهاد آقای سردار معظم قرائت میشود (بهضون ذیل قرائت شد) در باب آخر ماده یازده پیشنهاد ذیل تقدیم میشود

جما تا میزان سی در صد از سهام مزبوره را بیتی که بیش از قیمت رسمی (قیمت معیار روی سهام) نباشد خریداری نمایند

رئیس - آقای سردار معظم سردار معظم - اگر چه آقای مغیر در ضمن جواب آقای مشاور اعظم فرمودند که چون این سهام در معرض خرید و فروش گذارده نخواهد شد و بازار معامله ندارد لهذا لزومی ندارد

بنده با این نظر آقای مغیر موافق نیستم باین مقصود از این ماده چیست - مقصود از این ماده اینست که کمیانی یا صاحبان سهام ایرانی می خواهد مساعدتی کند و اگر سهم بیکم دلار صد و پنج دلار قیمت پیدا کرد از ایرانی ها همان صد دلار بگیرد و اگر ما فرض این مساعدت را بکنیم باید طرف دیگر معامله را هم تصور کنیم چون ممکنست قیمت قطعی سهام و قیمت بازاری و خرید و فروش کمتر از صد دلار باشد

پس بنا برین یا میل مساعدت کردن به ایرانی ها چه ما برای آنها الزامی قائل به شویم زیرا اگر حقیقتاً بنده میتوانم سهم صد دلاری را در آمریکا نبود و پنج دلار بخرم چه علتی دارد که در این ماده ملزم بشوم که سه دلار بخرم پس عبارت باید طوری نوشته شود که این نظریه بنده تأمین شود و ما را مجبور بخران خریدن نکنند از این جهت پیشنهاد کردم که جملاً تا میزان سی درصد از سهام مزبوره را بیتی که بیش از قیمت اسمی یعنی قیمت معیار روی سهام نباشد خریداری نمایند و باین اصلاح عبارتی کاملاً آق مقصود بنده تأمین خواهد شد اما اینکه آقای مغیر می فرمایند که این سهام معرض خرید و فروش و فروشی پیدا خواهد کرد بنده درست ضد این عقیده را دارم و عرض می کنم هیچ سهامی پیدا نخواهد شد که قیمت بازاری پیدا بکنند و در معرض خرید و فروش در بیاید

ایشان نمیتوانند این اطمینان را بدهند و اطمینان ایشان هم برای تأمین نظریه من

کافی نیست و بنده میجویم این جمله را عرض کنم این ماده دهم خیلی مهم است از نظر هم یکساعت گذشته و طرز رای دادن هم یک طور دیگر شده

از طرف دیگر بدیهه است در این امتیاز چون تقاضای فوریت شده یک شور می شود در صورتی که بنده متقدم هستم که هر چه بیشتر در اطراف مطالب دقت شود بهتر است

پس عقیده بنده اینست که آقای مغیر این ماده را مراجعه بکنند بکمیسیون و در اینجا بنده اعتراضاتش را دقت کنند مدتی که مدتی بیایند بکمیسیون

مغیر - بنده خود هم در اول وهله عرض کردم این ماده خیلی ماده مهم است و اطمینان می دهم بجز این که یک اعتراض واردی بینیم بغیر از خود من ارجاع بکمیسیون را تقاضا میکنم ولیکن متأسفانه اعتراض همکار محترم من مثل اعتراضیست که تا حالا شده

بنده حالا یک توضیح میدهم و این توضیح مانع از این نیست که با نظریه ایشان موافقت بشود ولی به طور ارجاع بکمیسیون

حالا چون وقت گذشته اگر بخواهند اطمینان داشته باشند و فرصت داشته باشند که در خارج از آقایان اعضاء کمیسیون توضیحاتی بخواهند بنده حرفی ندارم ولی خود بنده ارجاع بکمیسیون را نمی توانم تقاضا کنم و این قسمت در کمیسیون مطرح شود خود آقای مشیرالدوله در کمیسیون تشریف داشتند و در این خصوص در آنجا بحث شد و همین عبارت که بقلم یکی از همکارهای پیش نهاد شده بود رده و بنده بازم عرض می کنم که این سهام بازاری ندارد و این اطمینانی را که آقای سردار معظم دارند این اطمینان صحیح نیست چرا از برای اینکه ما می خواهیم هفتاد درصد از سهام متعلق به کمیانی سینکدر که صاحب امتیاز است باشد و مطلقاً مالک و متصرف خود کمیانی باشد و سی درصد متعلق بایرانی ها پس این چهطور بازار پیدا می کند؟

مگر اینکه بگوئیم ما بین شرکاه بازار پیدا می کند و این هم این طور نیست که بتوان جلوگیری کرد زیرا اگر یک چیزی بازار پیدا کرد نمی شود محدودش کرد برای اینکه وقتی رفت بازار آنجا همه میفرند مگر اینکه روی آن سهم همان طوری که در سهام ایرانی نوشته شده نوشته شود این سهم قابل خریداری نیست مگر بدست و توسط شرکاه فعلی کمیانی سینکدر و توضیحاتی از نماینده کمیانی سینکدر خواستیم و آن این بود که وقتی این سهام بازار پیدا نکند چه طور این سهام خرید و فروش می شود

حالا عرض می کنم یک کمیانی مثلاً با صد هزار دلار سرمایه تشکیل می شود

آ وقت سی درصد این سرمایه را بدو اتباعت و اتباع ایرانی تکلیف خواهد کرد که بصدوق آن کمیانی تازه تشکیل شده سرمایه خود را بپردازند یعنی سی هزار دلار از آن سهام را برای مدت یکسال باید خریداری کنند و مدتش هم محدود است که در ظرف این مدت این پول باید تهیه و داده شود و اگر دولت و اتباع ایرانی تهیه نکردند خود کمیانی آن سهام را می خرد و پولش را می دهد و این را هم غیر از آن قیمت اسمی که لازمه اینست تا صد هزار دلار در یک موافقی ممکنست سابقه هم دارد

کمیانی ها سهامی چاپ می کنند آ وقت آنرا بیتی کمتر خرید و فروش می کنند از نقطه نظر یک تسهیلاتی مخصوصاً برای اینکه این جمله اخیری که ملاحظه می فرمائید بعد از آنکه آن پیشنهادی که مثل پیشنهاد آقای سردار معظم بود در کمیسیون شد این جمله اضافه شد (و مقرر است صاحب امتیاز هم قسمت سهام خود را بهمان قیمت خریداری نماید) یعنی همان قیمت اسمی

ما خواستیم که کمیانی هفتاد درصد خودش را مبدا بیتی کمتر از قیمت اسمی پول در صدوق بگذارد و باین باعث یک ضروری برای ما باشد که در حقیقت آن سه صد دلار را هفتاد دلار از آن را کمیانی بدهد ولی هزار دلار را هم ما بدهیم

باین ترتیب عرض کردم این پیشنهاد را بنده نمی توانم قبول کنم و آن قسمت اخیری هم که ایشان اظهار فرمودند بدون اینکه ارجاع بکمیسیون شود ممکنست بماند برای جلسه آتی که آقای سردار معظم در جلسه روز شنبه تشریف بیایند بکمیسیون و با اعضاء کمیسیون مشاوری بفرمایند و بنده با این ترتیب مخالفت ندارم

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه بودن پیش نهاد آقای سردار معظم آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام فرمائید (جمعی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد (یک نفر از نمایندگان خوبت جسه را شتم کنیم) رئیس ممکنست پیشنهاد بفرمائید

همه وقت فرقه پیشنهاد دیگر مانده است (پیش نهاد آقای شیردانی بشرح ذیل قرائت شد) بنده اصلاحات ذیل را پیشنهاد می کنم

اول - در سطر چهارم نوشته شود (فقط در تحت قوانین ایران) دوم - در صفحه ۱۰ سطر پنجم نوشته شود در مدت سه سال و نیز در همانجا تاریخ

اختیار معلوم شود

سوم - قسمت انحصار سهام ایران و کمیانی اصلاح گردد که ایران هم در بورس دنیا شرکت نماید

رئیس - (خطاب بشیردانی) فقط در قسمت اول توضیحات بدهید (جمعی گفتند جلسه ختم شود) رئیس - پیش نهاد ختم جلسه از طرف آقای حاج میرزا عبدالوهاب شده است

رای میگیریم آقایانی که پیش نهاد را تصویب می کنند قیام فرمائید (غالب نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد - جلسه آتی روز شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت (مجلس یکساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی مومن الملک

جلسه ۴۱ صورت مشروح مجلس یوم یکشنبه ۵ اسد ۱۳۰۳ مطابق ۲۴ ذی حجه ۱۳۴۲

مجلس سه ساعت قبل از ظهر بر است آقای مومن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه دوم اسد را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند رئیس - نسبت به صورت مجلس ایرادی نیست ؟ (گفته شد خیر) رئیس - لایحه نفت از ماده ۱۱ مطرح است آقای معتمد ولی میرزا (اجازه) معتمد ولی میرزا - مدتی است لایحه کمیسیون بودجه تقدیم شده است راجع بپرداخت یکصد و هفتم بودجه سال قبل برای برج سرطان از بابت حقوق ادارات و بنده تصور میکنم اخیر تصویب این لایحه اسباب زحمت و اشکالاتی بین وزارت مالیه و ادارات خواهد شد اینست که تقاضا دارم مطرح شود (و چندان هم مذاکراتی لازم ندارد) و تکلیف آن معین شود

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه) رئیس التجار - بنده میخواستم عرض کنم که این لایحه بماند برای آخر جلسه رئیس - میفرمائید در آخر جلسه مطرح شود ؟ (جمعی از نمایندگان بلی) رئیس - مغیر کمیسیون نفت حاضر نیستند ؟ رئیس التجار - آقای سهام السلطان روز قبل هم مدافع بودند رئیس چون ممکن است از طرف کمیسیون اعتراض شود اینست که عرض

میکنم باید از طرف کمیسیون مأموریت داشته باشند آقای دست غیب (اجازه) دست غیب - حالا که آقای مغیر نیستند خوبست همان لایحه ای که آقای معتمد ولی میرزا فرمودند مطرح شود شاید بعد هم مغیر بیاید

آقا سید یعقوب - خیلی تعجب است از آقای دست غیب الان صحبت شد و آقای رئیس التجار پیشنهاد کردند که بماند برای آخر این جلسه این چیز غریبی است مجلس که نباید متصل تئیر برای بدهد دیگر اینکه آقایان اعضاء کمیسیون نفت تماماً حاضر هستند و وقتی هم اظهار شد که آقای سهام السلطان دفاع میکنند از طرف هیچکس مخالفت نشد حاضرین زیاد - بنده مخالفم آقا سید یعقوب - مخالفت شما اساس ندارد

اکثریت کمیسیون رای میدهد که ایشان مغیر باشند شا که اقلیت هستند رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - تصور نمیکنم از طرف اعضاء کمیسیون کسی مخالف باشد که آقای سهام السلطان از طرف کمیسیون دفاع کنند

رئیس - از طرف کمیسیون اعتراضی هست ؟ شاهزاده شیخ الرئیس - بنده عرض دارم

رئیس - عضو کمیسیون هستید ؟ شیخ الرئیس - خیر عرض دارم رئیس - بفرمائید شیخ الرئیس - میخواستم عرض کنم برای اینکه سابقه نشود و مخصوصاً چند روز قبل هم این لایحه مطرح شد و در یک ماده مفاداً ذکر شد و بعد مغیر کمیسیون آمد و گفت اینطور نبوده بنده برای اینکه بعداً اختلافی پیدا نشود عرض میکنم هر کس را که میل داشته باشند بسمت مغیر موافقت میکنند والا اینکه اعضاء کمیسیون اعتراض دارند یا ندارند نمی شود

وقتی که مغیر نیست باید خود اعضاء کمیسیون یک نفر را معین کنند والا از نقطه نظر اینکه آقای سهام السلطان در جلسه قبل مدافع بوده و امروز هم دفاع کنند و بعد هم مغیر بیاید بگوید اینطور نیست این میشود

حاج عزالمالک - آقای وزیر برای دفاع از لایحه حاضرند ممکن است لایحه مطرح شود و آقایان اعضاء کمیسیون بیرون رفته و فوراً یک نفر را بسمت مغیر معین کنند و بجلس پیشنهاد کنند مانی ندارد

رئیس - آخر پیشنهاد حاضر است و باید قرائت شود و ببینیم کمیسیون قبول میکند یا نه آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام السلطان - در آن ماده که حضرت والا اظهار کردند خواستم ایشان تذکر بدهم نه اینکه در اینجا شده بود بلکه آنچه مغیر گفتند این بود که در راپرت اشیا به شده و بعد هم فرار شد که در کمیسیون ترتیبی داده شود والا اینکه بنده دفاع کردم همان نظری بود که کمیسیون مغیر بیاید

رئیس - ممکن است آقایان اعضاء کمیسیون تشریف ببرند بیرون و یک نفر را فوراً بجای مغیر انتخاب نمایند در اینصورت آقایان اعضاء کمیسیون نفت از مجلس خارج شده پس از چند دقیقه مجدداً وارد شدند

رئیس - آقای تدین (اجازه) تدین - آقای سهام السلطان از طرف کمیسیون نفت بسمت مغیر انتخاب شدند بنده اینست که در هر موقعی که مغیر اول باینده ایشان این سمت را خواهند داشت که از طرف کمیسیون دفاع کنند و دیگر محتاج به تجدید رای نیست

مدرس - سابقه نداشته است رئیس - غیر از این هم چاره داشتیم ؟ پیشنهاد آقای دولت آبادی قرائت می شود (بشرح ذیل قرائت شد) چون این ماده طولانی و مطالبش خالی از ابهام نیست علاوه اصلاحات عبارتی لازم دارد بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۲ مطرح شود و باینصورت بعد از اصلاحات لازمه رای بدهیم

سهام السلطان - چون در این ماده پیشنهاداتی زیاد شده بود عقیده کمیسیون این بود که آن پیشنهادات را بماند به کمیسیون مراجعه دهند که در آن مطالعه شده بعد بجلس راپرت بدهند

رئیس - آقای امیرحشمت (اجازه) امیرحشمت - بکمیسیون از پیشنهادها هست که قرائت نشده و بنده تصور میکنم یک جمله در این راپرت از قلم افتاده

رئیس - یک مطلبی آقای دولت آبادی پیشنهاد کردند و آقای مغیر هم قبول کردند حالا در اطراف این مطلب اگر اظهاری دارید بفرمائید

امیرحشمت - عرض من این بود که پیشنهادها قرائت شود

رئیس - لازم نیست خوانده شود آقای دولت آبادی توضیح دارید ؟ دولت آبادی - خیر مراجعه شود به کمیسیون

رئیس - پیشنهادهایی که قرائت شده اند آتیه ای هم که قرائت نشده مراجعه می شود بکمیسیون ماده ۱۲ مطرح است (بشرح ذیل قرائت شد) ماده ۱۲ - محض اینکه بسکنه ایران

نفت (کروزیلین) و بنزین (گازولین) که برای احتیاج آنها لازم است بیتی معتدلی فروخته شود صاحب امتیاز تمهید میکنند مقداری که بوجوب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید مشروط بر اینکه نفت مستخرجه در قطعات چهار گانه باندازه کافی و قابل تهیه مواد مذکور فوق باشد صاحب امتیاز این تصفیه را به شروط ذیل خواهد کرد

۱ - دولت وسکنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصفیه یاد معر نهائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کروزیلین) بنزین (گازولین) و مازوت و نفت تصفیه نشده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (امانه برای صدور از ایران) بیتی که حقیقتاً تمام شود علاوه درصد از صاحب امتیاز خریداری نمایند قیمت حقیقی هر یک چایک از محصولات مذکور متوسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تهین خواهد شد

الف - قیمت نفت تصفیه نشده و قیمت کرایه و مخارج تصفیه و مخارجی که برای فروش در ایران تعلق میگردد و غیره در قیمت نفت تصفیه نشده منجمه باید مخارج ذیل منظور شود

مزد عملیات و اجزاء و مخارج سوخت و مخارج حمل آوردن و بیه و قسمت خرید جناس و نگاهداری اسباب و ادوات و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت

ب - کلیه مخارج راست و مهربیت و محاسبات و نظارت و سایر مخارج مربوطه با اداره این امتیاز در ایران ج - استهلاک سرمایه مصروفه که در هر موقع برای خرید اراضی و تأسیسات و ملزومات و هر چیزیکه برای تحصیل و تصفیه و حمل و فروش نفت و مشتقات آن که بوجوب آن امتیاز نامه تحصیل شود لازم باشد و کلیه مخارجی که استهلاک بر آن تعلق میگیرد احتساب استهلاک بر طبق محاسبات صاحب امتیاز از قرار صدی هفت و نیم در سال خواهد بود بود تا اینکه بکلی مستهلك شود

د - ربح سرمایه مصروفه از قرار صدی صدی هفت تا آنکه سرمایه کاملاً مستهلك شود

ه - هر گونه مالیات و عوارض که در ایران ابرایی از مواد نفتی که در ایران بجهت مصرف داخلی ملکیت بفرش میرسد اخذ می نمایند

۲ - قیمتی که صاحب امتیاز مطابق مقررات این ماده برای مواد راجحه بصرف داخله ایران معین میکند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبور حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا میفروشد نباید زیادتیر باشد ولی هر گاه بر طبق قسمت ۵

مالیات و فواضلی مأخوذ شود بر قیمت فروش در خارج علاوه خواهد شد بدیهی است مغارجی که در خارج از ایران تامل فروش مواد مزبور به تعلق می گیرد موضوع خواهد شد

نصرت اولاً مقصود از جمله مصرف داخله ایران عبارت از مقدار نفت تهیه شده و بترین و ملازوت و نفت و سایر مواد نفتی که دولت و اشخاصی متفرقه و شرکتها و کمپانیها و همروسه دیگر در ایران بصرف می رسانند و بطور کلی عموم مواد مذکور که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود نه آنچه که برای صدور خارج از ایران بوسیله دولت و اشخاص متفرقه منظور شده باشد.

ثانیاً از نفت چایک مقصود واحد کپلی است که عبارت می باشد از چهل و دو گالون امریکائی بعرادت شصت درجه فارن هایت.

رئیس - آقای مستدول میزرا (اجازه)

مصدق ولی میزرا - راجع باین ماده ۱۲ که مطرح است خود بنده شخصاً مرجه فکر کردم که این ماده را بطور حساب یعنی در تحت اهداد دریا بوزم بالاخره پیش خود یک حدس برسم که بعد از تمام این حسابها قیمت نفتی که در مملکت بفروش خواهد رسید.

تقریباً چه میزانی خواهد بود عاجز ماندم که این حساب را بکنم و باینی از آقایان رفتاری نمودم که بگفتند بیشتر از بنده اطلاع دارند و حتی در غالب جلسات کمیسیون هم حضور داشته اند از آنها سؤال کردم دیدم آنها هم مثل بنده هستند بنده چیزیکه قطع دارم این است که این ماده بصره اهالی این مملکت نیست و به هیچ وجه در اینجا مراعات اقتصادی که مقصود ما است که در این مملکت ترونی داخل شده باشد.

از تروت اهالی این مملکت هم چیزی کاسته نشده باشد این ماده به پنج وجه این منظور را تأمین نمیکند اولاً بنده خیلی میل داشتم یکی از آقایان اعضاء کمیسیون در خارج روی نهته سیاه بایک گنج آن حسابی را که بنده میکردم می نمودند تا مدلی می شد که این نفت با این همه شرایطی که در این جا قید شده است

این مغارجی که موضوع میشود قیمت نفت چیست؟ بلازم وقتی در عبارتش هم در دست دقت خود چیزهایی قید شده است که انسان نمی تواند آنها را تحت عدد دریا آورد مثلا در قسمت الف مینویسد

در قیمت نفت تصفیه شده من جمله باید مغارج ذیل منظور شود در عملیات و اجزاء و مغارج سوخت و مغارج حمل آوردن بوسیله و قیمت اجناس (که معلوم نیست این اجناس عبارت از چیست) و نگاهداری و اسباب و ادوات

و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت بنده اساساً نمی فهمم در یک قانونی مقصود از کلمه چیز حاجت آنها هم یک قانونی که باید نامش حساب و عدد باشد حالا چیزها را در تحت عدد درخواهد آورد بنده ملتفت نیستم.

در دوره چهارم چند نفر از همکاران محترم که حالا هم هستند مخصوصاً تذکر می شدند بامتیاز نامه که حکومت چک و اسلواکی کمپانی آمریکائی داده بود و مگر در مواد آن امتیاز نامه را قرائت میکردند بامواد این امتیاز نامه مطابقت و مقایسه میکردند و از این مقایسه خیلی نتیجه های مفید میگرفتند من جمله همین مسئله فروش بود دولت چک و اسلواک که امتیاز خود بیک کمپانی معتبری می دهد در آنجا در مورد فروش یک فصل مشخص دارد که بنده قرائت میکنم:

فصل چهارم - فروش محصولات مقرر است که تمام نفت و سایر مواد حاصله بایستی برای احتیاجات داخلی مملکت تخصیص شود و فقط آنچه اضافه داشت حمل بخارج شود.

کمیاتی متعهد است که همیشه نفت را به قیمت مناسب استخراج کند (البته آخره) این يك ماده خیلی ساده است و باید آید در بیچ هم ندارد ولی بنده این ماده که مطرح است چیزی استنباط نمیکند نمی دانم شاید در کمیسیون توضیحات کافی داده اند ولی بنده که عضو کمیسیون نبودم و از غالب آقایان هم بطور خصوصی سؤال کردم و گفتم ممکن نیست.

از این ماده بطوری که این جا نوشته شده است سردر آورد علاوه این يك مسئله تجارتنی است کمیاتی را چرا شامه مقایسه نمی فرماید بیک تاجر داخلی و محلی خودمان که قند و پارچه وارد میکنند و در بازار می خواهد بفروشد این تاجر چه معامله با مشتری میکند؟

آقایان از اینکه قیمت خرید کارخانه و کرایه را حساب میکنند بصد پنج صد چهار صد بر قسمت آنها اضافه کرده و بفروش می رسانند؟

حالا اگر تاجر بازاری ما بخواهد این قبیل محاسبات را برای خودش درست کند مثلا مغارج بیلاق شلاق در شکه اتومبیل و سایر مغارج نفتنی و مغارج شاگرد هائی که در حجره دارند اگر باین ترتیب بخواهند عمل کنند آنوقت ممکن است در دکان و تجارتخانه آنها بسته شود کسی چیزی از آنها نبرد در هر صورت بنده تصور میکنم قیمت فروش نفتی که از یاد کوبه استخراج میشود و بهر یک از قطعات مملکت ما وارد میشود قیمتش از این ترتیبی در این ماده نوشته شده است خیلی ارزان تر تمام می شود

این است که بنده کاملاً با این ماده مخالفم زیرا مقصود اقتصادی که ما داریم

تأمین نمی کند و بضرر اهالی و سکنه مملکت مانتام خواهد شد بنده تصور میکنم که اگر آقایان این ماده را بیک طرز خیلی ساده و مختصر تری درمی آورند مثل همین ماده که بنده قرائت کردم خیلی بهتر بود و مقصود از عبارت این ماده که در این امتیاز نامه قرائت شده است این است -

از قیمتی که برای او تمام میشود صدی دو یا صدی ۳ هم گرانتر بفروشد و با داشتن بازار رفت در نزدیکی مملکت تصور می کنم -

که باید اخذ قیمت را قیمت بازار باد کوبه قرار بدهیم و اگر کمیاتی متعهد بشود که بایرانی همان قیمت بفروشد بنده تصور میکنم که نفع هم می کند و بصره بایرانی هم تمام میشود این است که بنده این ماده را بهیچوجه بصره مملکت ایران نمیدانم و مخالف هستم و اگر این ماده بگذرد نمی دانم حال حال مردم بیچاره این مملکت چه خواهد شد

سهم السلطان - شاهزاده محمد ولی میرزا گویا کاملاً با این ماده دقت نفرمودند و این اعتراضاتی که فرمودند هیچ وارد نیست بجهت اینکه کمیسیون آنچه را که بایستی در این ماده دقت کند حاضر است حضرت والا اظهار داشتند که در امتیاز نامه چک و اسلواکی نوشته شده است که باید نفت را بقیمت نفت دیگر بآن مملکت وارد میشود

بفروش می رسانند اینجا تمام این مطلب را کمیسیون در این امتیاز نامه در نظر گرفته است برای اینکه در قسمت دوم این ماده نوشته شده است.

قیمتی که صاحب امتیاز مطابق مقررات این ماده برای مواد راجع بصرف داخله ایران معین بکنند از قیمتی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبور حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا می فروشد نباید زیادت باشد این يك ماده که معین س کرده است -

که از قیمت نفتی که در دنیا بفروش می رساند قیمت نفتی که در ایران بفروش می رسد زیادت نباشد پس در این صورت نظر شاهزاده هم تأمین شده اما بیک قسمت دیگری که منظور شده این نظر است و آنرا ملاحظه فرمودند و آن این است که شاید فوایدی را که از نفت بیرنه صدی ده صدی در همین قیدی که خودمان س کرده نوشته شده است که اگر صدی شصت یا صدی هفتاد هم فایده ببرد

(منافعی را که می بینند شاید خیلی زیادت از آنچه ما فکر میکنیم باشد) بنابراین ما آمده ایم در اینجا يك ماده نوشته ایم که کمیاتی حقیقتاً آنچه که برای خودش تمام میشود بایک منفعت صدی ده با اهالی ایران بفروشد البته عملیات کار

می کنند مزد می گیرند قیمت سوخت باید حساب شود بنا بر این این ایراد ایشان وارد نیست شیروانی - راجع بنگلیه چیزهایی که مغبیر - حالا بیک یکی عرض می کنم

البته مر عملیات و اجزاء و مغارج سوخت و استخراج حمل آوردن بوسیله و قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات اینها باید حساب شود و اسباب هم دو قسم است یکی اسبابی است که بطور کلی خریداری می شود این جزء سرمایه است و استهلاك می شود بگرفت هم هست که بیک اسبابی در بین عمل لازم است آن اسباب باید جزو حساب سرمایه محسوب شود و غیر از قیمت سرمایه است و همچنین بعضی لوازم دیگر هست که برای کارخانه لازم میشود البته قیمت آنها را برای اشخاص بیکه نفت را خریداری میکنند محسوب میکنند

پس این قسمتها قسمتهائی است که حقیقتاً مغارج کار است مادر این جا نوشتیم که همین مغارجی را که برای بیرون کردن و تصفیه کردن نفت مصرف میشود آنرا حساب کنیم و بعد نسبت سرمایه هم از قرار صدی هفت و نیم حق استهلاك دارد تا تمام شود وقتی که تمام شد حق برداشت ندارد فقط منافعی که باو داده میشود صدی ده است و بقیه این قسمتی که اینجا معین شده از قیمت عادلانه بازار دنیا هم ارزان تر است و برای ایران خیلی بصره نزدیک تر است -

معهدا برای همین احتیاطی که عرض کردم ممکن است نفت در دنیا خیلی ارزان بشود و اگر ما دیدیم که این قیمت برای خرید ضرر دارد آنوقت مطابق قیمت بازار دنیا باید ما بفروشید این هر دو مطلب ملاحظه شده است و گمان میکنم که هیچ قسمتی در این ماده فرو گذار نشده است

رئیس - آقایان همین موافقت؟ تدین - بلی رئیس - آقایان مشاوران هم موافقت رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبد الوهاب - بنده همانطور که سابقاً عرض کردم حالا هم عرض می کنم که قانون باید طوری باشد که بعدها محتاج بتفسیر نباشد و این قانون یک طوری نوشته شده که بعقبه بنده گنگ است يك مسئله اینست که مینویسد مقصود از چایلیک واحد کیلی است که عبارت میباشد از ۴۲ گالون امریکائی بعرادت ۶۰ درجه فارن هیت یا فلان

(خنده بین نمایندگان) بنده نمی فهمم یعنی چه و اگر هم تصدیق کنم تصدیق بلا تصور است اینست که عرض میکنم که قانون باید

سراحت داشته باشد و عبارتش قابل تعبیر نباشد بیک ایراد دیگر اینکه در دفاعی که مغبیر کردند فرمودند استهلاك آن وجه صد هفت و نیم است تا تمام شود و بعد يك صد دهم يك جا دارد و يك صد هفت هم يك جا دارد و این صد هفده برای کمیاتی زیاد است خوب است آقای مغبیر توضیح بدهند تا رفع مخالفت بنده بشود

آقای تدین (اجازه) تدین - اعتراض اول آقایان این بود که چرا این کلمه غیر فارسی نوشته شده و آن کلمه گالان بود کالان یک کیلی است که وزن نفت را با آن معین می کنند بیک هم چلیک است که معادل ۲۴ گالون امریکائی است ما هر چه فکر کردیم که يك کلمه فارسی برای آن بدست بیآوریم اصطلاحی که آن را با هم مانده بدست نیآوریم مگر اینکه معین کنیم چهل و دو کالان چند من می شود در بین الهالین بنویسم چهل و دو کالان تقریباً چهل و دو من میشود ولی بجای کالان ما می توانیم کلمه دیگری بگذاریم و اما آن قسمت راجع بصد هفت را بنده درست ملتفت نشدم که مقصود آقا چیست و فقط ایشانرا ارجاع میدهم بقسمت اخیر ایشانده

که یک قسمتی استهلاك سرمایه است و یکی قسمت ربح سرمایه بیک شخصی که سرمایه میکند در برای اینکه مصرف کند باید تنها سرمایه اش را استهلاك کند باید هم سرمایه اش را بفروش کند و هم خرج سرمایه اش را بگیرد در قسمت اینکه میفرماید چهل و دو من و نیم بود آقا را چه می بیند قانونی که از در کمیسیون صد هفت و نیم قرار دادیم و این بنفع مال است برای اینکه صد هفت و نیم مستلزم این است که در برتر مستهلك شود ولی وقتی که صد دوازده و نیم بود سرمایه زودتر مستهلك میشد و ناچار باید منفعت زیادتری روی قیمت نفت بکشید ربح سرمایه هم از قرار سالی صد هفت است و خیلی هم رعایت شده و در کمیسیون دقت شده است و می خواهم يك اشاره هم بکنم به اظهارات شاهزاده محمد ولی میرزا که ایشان اظهار کردند آن ماده که در امتیاز نامه چک و اسلواک نوشته شده بهتر از این است خوب است این جا هم همان طور خلاصه نوشته شود

جواباً عرض میکنم این طور نمی شود نوشت و خیلی فرق دارد برای اینکه معاون مملکت چک و اسلواک مثل مال ما مجهول نیست معلوم معلومی هست که سابقاً استخراج میشده و حالا می خواهند به اشخاص دیگری بدهند که نفت را از آنجا استخراج کنند بنابراین این معادن با معادن نفت شمال ما که هنوز تحت الارض است و هنوز از حیث کبیت بر ما مجهول است و نمیدانیم چه مقدار

نفت از این معادن برای ما بیرون می آورند که آیا قابل تجارت باشد یا نباشد فرق دارد دیگر اینکه يك عبارت آنجا دارد که خودشان قرائت کردند که نفت را باید به قیمت استخراج بفروشند این قیمت استخراج به قدری مجمل است که ممکن است همه چیز را در آن داخل کرد ما هم برای اینکه وقتی کمیاتی قیمت نفت را معین میکنند دچار مشکلات نشویم باین معنی که کمیاتی نگویند که فلان مقدار خرج شده است باید بروی قیمت نفت کشید و دولت بگیرد بخرید نباید کشید تمام خرج هائی که متصور است در این جا قید شده است و کمیاتی حق ندارند بیش از آنچه که در این ماده قید شده است خرجی را منظور بدارد و بروی قیمت نفت بکشید پس بنابراین اگر ما میخواستیم آن ماده که ایشان در امتیاز نامه چک و اسلواک خوانده اند در اینجا هم قائل بشویم بضرر ما تمام میشود این بود که این ماده را اینطور نوشتیم -

در خانه هم عرض میکنم که نفت مادام که استخراج نشده است و در معدن تحت الارض است هیچ قیمت ندارد و این قیمتی که باو تعلق میگردد از نقطه نظر مغارج است و يك کمیاتی هر خرجی را که برای استخراج نفت متحمل میشود ناچار است روی قیمت نفت بکشند و این را نیشود مقایسه کرد با فلان تاجر که مزد دفتر دار و منشی خود را روی قیمت جنس نمیکشد به همین جهت است که زود بزود ورشکست میشود تاجر عبارت از آن کسی است که وقتی تجارت میکند من حیث المجموع تمام مغارج آنرا منظور و روی سرمایه میکشد بعد بفروش می رسد وقتی که این ترتیب را رعایت نکرد ورشکست میشود چنانکه در مالک دیگر هم چیز را رعایت میکنند

رئیس - آقایان اگر اخگر - قبل از لازم است توضیح عرض کنم که این امتیاز دو جنبه دارد یک جنبه سیاسی و یک جنبه تجارتنی راجع بآن جنبه اولی با قبول کلیات آن موضوع گذشت است فقط در مواد بایستی موضوعات تجارتنی رعایت شود ما با کمیاتی می خواهم بیک معامله بکنیم و البته بایستی این معامله بیک طوری باشد که هم او فایده ببرد و هم مملکت ایران و البته تکلیف ما این است که حتی المقدور سعی کنیم که بمنتفع مانم تمام شود چون ما که نماینده کمیاتی نیستیم ما نماینده مملکت خودمان هستیم و بایستی بنفع مملکت خودمان رفتار کنیم

این ماده که اینجا نوشته شده بطور کلی همچو می رسد که برخلاف کلیه اصول تجارت دنیا است چون هیچ تجاری چنین معامله نمیکند که هم سرمایه اش را استهلاك کنند هم از بابت منافع سرمایه اش صدی هفت بگیرد و هم مغارجی که برای استخراج نفت میشود آنرا هم موضوع بکنند به

صدی ده یعنی دیک هم منفعت بگیرد اساساً این معامله در دنیا هیچ سابقه ندارد و اما راجع بانواع این ماده خیلی بیچ در بیچ نوشته شده و بنده کاملاً معتقدم که هیچ چیز از جلاوت و عبارات این ماده را نمیشود ملتفت شد اینست که آنچه بنظر میرسد عرض میکنم در اینجا قبل از اینکه بقسمت اول شروع کنیم مینویسد (صاحب امتیاز تمهید میکند هر مقداری که بوجب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید مشروط بر اینکه نفت مستخرجه در قطعات ۴ گانه با اندازه کافی و قابل تهیه مواد مذکور فوق باشد)

اگرچه از یک طرف ممکن است این معنی را بپسندند که این تمهید صاحب امتیاز برای دادن نفت به سکنه ایران و برای مصارف داخلی ما موقمی خواهد بود که نفت بقدر کفایت استخراج بشود ولی مفهوم مغالفتش این است که اگر نفت با اندازه کافی استخراج نشد معارض نیست تکلیف چیست -

آیا باید آنچه که استخراج شد تصفیش را بایرانی بفروشد یا کمتر یا بیشترش را ببقیه را بخارج حمل کند و عبارت ماده این معنی را درست نمی رسد - چون این يك اصلاح عبارتنی است این را بنده چندان اهمیت نمی دهم ولی يك چیز هائی در این ماده نوشته شده که بعقبه بنده هیچ قابل قبول نیست اگر بنا باشد که کمیاتی در این جا سرمایه مصرف کند سوختش را بنرخ صدی هفت بگیرد -

در صورتیکه در همه دنیا تنزیل پول صد هفت شده است و برای زحمانی که بجهت استخراج نفت میکشد اجرت بگیرد آن وقت صدی دهی که بعنوان منفعت بگیرد بچه دلیل بایستی روی قیمت نفت کشیده شود -

بنده این را نمی فهمم اگر بکنفر از آقایان محترم بخواهند از کسی پولی قرض نمایند البته در مقابل عرض را میدهند آنچه که در اروپا معمول است فرغ پول از صدی ۴ و صدی ۵ هم تجاوز نمیکند و حالا برای کمیاتی صدی هفت قرار داده اند آیا بعد از آنکه اصل پول را رد کردند و حق الزحمتش را هم دادند و خرج منشی و نوکرش را هم دادند آن وقت صدی ده هم علاوه بدان مفهوم ندارد در قسمت يك يك چیز هائی نوشته شده که بنده خواهم میکم آقای مغبیر محترم توضیح بدهند مثلا مینویسد بتوسط صاحب امتیاز بار هایت نکات ذیل حساب و تمین خواهد شد این يك اصل کلی است که مینویسد باید بتوسط صاحب امتیاز معین شود البته وقتی در این معاملات بیک طرفی نشد نمیتوان بصحت آن اعتماد کرد اگر بنا باشد يك طرف معامله خودش صورت حساب بدهد بدون اینکه انسان يك حق تفتیش و رسیدگی داشته باشد

البته طبعاً بضرر طرف دیگر تمام خواهد شد اینجا ما بیک معامله سابقاً کرده ایم که آن دادن امتیاز نفت جنوب باشد و آن مغارجی که همه ما هاداریم از این حیث تحمل می کنیم باید برای ما بیک تجزیه باشد که در این یکی دیگر گرفتار نشویم الان بطور مثل يك مرض می گنم هستند يك اشخاصی که می گویند اختلاف حساب هائی در موضوع نفت جنوب بین دولت و کمیاتی هست و بنده هم سؤال کرده ام ولی هنوز جواب داده نشده و حاضریم که مدلل کنیم بیک اختلاف حساب هائی هست - اینجا می نویسد -

(بتوسط صاحب امتیاز حساب شود) و هیچ حقیقی با داده نمیشود که در این حساب کمیاتی يك تفتیشی بکنیم و به بینم آیا این حساب صحیح است یا نه و اگر قائل هستند که ما بیک حقیقی داریم برای اینکه حساب کمیاتی را تفتیش کنیم اصلاً بایستی ذکر میشد با اطلاع مفتش یا مأمور دولت ایران که دیگر جای هیچ سوء تفاهمی باقی نماند -

جزه این حساب هائی که نوشته شده است کمیاتی تمین خواهد کرد بیک قیمت نفت تصفیه نشده است بنده خیال می کنم مقصود از قیمت نفت تصفیه نشده این است که وقتی چاه را زدند و نفت بالا آمد آنرا می خواهند با ما حساب کنند در صورتیکه بخارج زدن چاه و مزد عملیات و مغارج اداره اش را حساب کرده دیگر آن نفتی که بیرون می آید مال دولت ایران است و کمیاتی باید يك حق بگیرد تصدیق بفرمائید وقتی بنده کمیاتی ربح سرمایه اش را بگیرد در مدت معینی هم سرمایه اش را استهلاك کند مزد عملیاتش را بگیرد و تمام مغارج را حساب کند دیگر نفت نوی زمین را سکه هنوز تصفیه نشده آیا باید با ما قیمتش را هم حساب کند؟ بنده این را نمی فهمم یعنی چه دوم قیمت کرایه در قسمت اول ماده می نویسد که صاحب امتیاز تمهیدی کند هر مقداری که بوجب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید تا آنچه بیک می نویسد دولت کارخانه تصفیه را در مغارج هائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کروزیل) بترین (گازوین) و ملازوت و نفت تصفیه شده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (اما نه برای صدور از ایران) بقیه که حقیقتاً تمام شود و علاوه در صد هفت صاحب امتیاز خریداری نمایند

بنده نمیدانم که بنده ما در محل تصفیه بخواهیم نفت را خریداری کنیم این کرایه مال کجاست؟ کرایه در صورتی است که نفت را کمیاتی از محل استخراج بیآورند بولیات و در آنجا بخواهد بفروشد و کرایه اش را حساب کند و عایینی است وقتی مغارج لوله

کمیاتی تصفیه نشده است بنده خیال می کنم مقصود از قیمت نفت تصفیه نشده این است که وقتی چاه را زدند و نفت بالا آمد آنرا می خواهند با ما حساب کنند در صورتیکه بخارج زدن چاه و مزد عملیات و مغارج اداره اش را حساب کرده دیگر آن نفتی که بیرون می آید مال دولت ایران است و کمیاتی باید يك حق بگیرد تصدیق بفرمائید وقتی بنده کمیاتی ربح سرمایه اش را بگیرد در مدت معینی هم سرمایه اش را استهلاك کند مزد عملیاتش را بگیرد و تمام مغارج را حساب کند دیگر نفت نوی زمین را سکه هنوز تصفیه نشده آیا باید با ما قیمتش را هم حساب کند؟ بنده این را نمی فهمم یعنی چه دوم قیمت کرایه در قسمت اول ماده می نویسد که صاحب امتیاز تمهیدی کند هر مقداری که بوجب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید تا آنچه بیک می نویسد دولت کارخانه تصفیه را در مغارج هائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کروزیل) بترین (گازوین) و ملازوت و نفت تصفیه شده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (اما نه برای صدور از ایران) بقیه که حقیقتاً تمام شود و علاوه در صد هفت صاحب امتیاز خریداری نمایند

بنده نمیدانم که بنده ما در محل تصفیه بخواهیم نفت را خریداری کنیم این کرایه مال کجاست؟ کرایه در صورتی است که نفت را کمیاتی از محل استخراج بیآورند بولیات و در آنجا بخواهد بفروشد و کرایه اش را حساب کند و عایینی است وقتی مغارج لوله

کمیاتی تصفیه نشده است بنده خیال می کنم مقصود از قیمت نفت تصفیه نشده این است که وقتی چاه را زدند و نفت بالا آمد آنرا می خواهند با ما حساب کنند در صورتیکه بخارج زدن چاه و مزد عملیات و مغارج اداره اش را حساب کرده دیگر آن نفتی که بیرون می آید مال دولت ایران است و کمیاتی باید يك حق بگیرد تصدیق بفرمائید وقتی بنده کمیاتی ربح سرمایه اش را بگیرد در مدت معینی هم سرمایه اش را استهلاك کند مزد عملیاتش را بگیرد و تمام مغارج را حساب کند دیگر نفت نوی زمین را سکه هنوز تصفیه نشده آیا باید با ما قیمتش را هم حساب کند؟ بنده این را نمی فهمم یعنی چه دوم قیمت کرایه در قسمت اول ماده می نویسد که صاحب امتیاز تمهیدی کند هر مقداری که بوجب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید تا آنچه بیک می نویسد دولت کارخانه تصفیه را در مغارج هائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کروزیل) بترین (گازوین) و ملازوت و نفت تصفیه شده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (اما نه برای صدور از ایران) بقیه که حقیقتاً تمام شود و علاوه در صد هفت صاحب امتیاز خریداری نمایند

بنده نمیدانم که بنده ما در محل تصفیه بخواهیم نفت را خریداری کنیم این کرایه مال کجاست؟ کرایه در صورتی است که نفت را کمیاتی از محل استخراج بیآورند بولیات و در آنجا بخواهد بفروشد و کرایه اش را حساب کند و عایینی است وقتی مغارج لوله

کمیاتی تصفیه نشده است بنده خیال می کنم مقصود از قیمت نفت تصفیه نشده این است که وقتی چاه را زدند و نفت بالا آمد آنرا می خواهند با ما حساب کنند در صورتیکه بخارج زدن چاه و مزد عملیات و مغارج اداره اش را حساب کرده دیگر آن نفتی که بیرون می آید مال دولت ایران است و کمیاتی باید يك حق بگیرد تصدیق بفرمائید وقتی بنده کمیاتی ربح سرمایه اش را بگیرد در مدت معینی هم سرمایه اش را استهلاك کند مزد عملیاتش را بگیرد و تمام مغارج را حساب کند دیگر نفت نوی زمین را سکه هنوز تصفیه نشده آیا باید با ما قیمتش را هم حساب کند؟ بنده این را نمی فهمم یعنی چه دوم قیمت کرایه در قسمت اول ماده می نویسد که صاحب امتیاز تمهیدی کند هر مقداری که بوجب کنتراهای خرید تقاضا شود در ایران تصفیه و تهیه نماید تا آنچه بیک می نویسد دولت کارخانه تصفیه را در مغارج هائی که صاحب امتیاز تأسیس کند نفت تصفیه شده (کروزیل) بترین (گازوین) و ملازوت و نفت تصفیه شده و سایر مواد مستخرجه از نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (اما نه برای صدور از ایران) بقیه که حقیقتاً تمام شود و علاوه در صد هفت صاحب امتیاز خریداری نمایند

و غیره را با ما حساب میکنند دیگر گریه موضوعی ندارد . قسمت دیگر مغارج تصفیه و مغارجی است که برای فروش در ایران تعلق میگیرد و غیره -

این راهم بنده نمیفهم وقتی بنا شد در محل تصفیه نفت را با ایرانی بفروشد هر چه مغارج دارا شده تا موقع فروش خواهد حساب کند دیگر مغارج فروش چیست

در جای دیگر مینویسد قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات اینها را باید روی فروش نفت کشید بنده مخالفم اگر کسی بخواهد يك خروار نفت بفرد کسی میتواند این چیزها را حساب کند که از اول تا حالا پنج میلیون و نهصد و نود و سه هزار و هشتاد و یک رگسری خرج کردیم و صد هزار خروار نفت بیرون آوردیم و نسبت باین يك خروار شما فلان مبلغ تعلق میگیرد .

قیمت که این حساب را بکنند همین طور مغارج نگاهداری اسباب و ادوات اسبابی که در کارخانه هست برای این است که نفت را بیرون بیاورند و خود این بگویند مغارجی است که برای استخراج نفت تعلق میگیرد و حساب میشود دیگر مغارج نگاهداری این آلات و ادوات چیست ؟

بنده مخالف هستم و میخواستیم بی رسم بچه دلیل بیاوریم هائی که اودخیره میکنند بحساب بیاورد ؟

بنده شخصاً مه قدم که هر قدر يك معامله روشن تر باشد البته ضررش کمتر است و مورد اختلاف کمتر پیدا میکند فرار است که ما با کسبانی مرافقه کنیم که فلان چیز از ایشائی نیست که باید جزو ذخیره نگاه داشت علی هذا بنده لازم نمیدانم قیمت نگاه داری ایشائی که در ذخیره میخواهد نگاهداری کنه روی قیمت تعلق که میخواهد بیاورد حساب کنند برای اینکه چیزی را که ذخیره میکنند قیمتش محفوظ است و وقت فروش قیمت آن سرچایش است و حق ندارد قیمت قیمت آن را روی تعلق که بیا میفروشد حساب کند معذالك اگر بنده يك چنین تفسیری را قبول کنیم که بیا ایشائی که در تحت ذخیره نگاهداری شود در اینجا ذکر شود باید معلوم شود این اشیاء چیست و اگر تمام آنها در اینجا اسم برده نشود ممکن است همه چیز را بنام این که لازم است ذخیره بشود وارد کند و پولش راهم از خودمان بگیرد و بگریزند که در اینجا مینویسد (کلیه مغارج زیادت و مدیریت و محاسبات و نظارت سایر مغارج مربوطه با اداره این امتیاز در ایران)

این هم جزو قیمت تعلق که بمافروخته میشود باید حساب شود ؟

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

علیهذا از کلیه نفت که استخراج شده این دو خروار که شما میخواهید بفرد اینقدر مغارج بآن تعلق میگیرد که باید بشکشد روی قیمت آن این حساب قطعاً درست در نمیآید غلی الغصوص که حسابش هم چنانکه در فوق عرض شد کمیانی و گذار شد

تدین - اینطور نیست اشگر - (قیمت حقیقی هر يك چلیك از محصولات مذکور به توسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد)

تدین - تبصره يك ماده ۱۲ را بخوانید اشگر - بنده با عبارتی سرو کار دارم که در اینجا دارد مذاکره میشود اگر يك عبارت مهمی در اینجا باشد باید در بازده ورق دیگر عبارت روشن باشد رفع این ابهام را نمیکند در اینجا هم که احتساب و استهلاك میکنند باز مینویسد

(بر طبق محاسبات صاحب امتیاز) و در اینجا ذکر نمی شود که دولت ایران هم حق نظارت در این محاسبات دارد بنابر مثل عرض میکنم که صدها بیست سهام کمیانی نفت جنوب مطابق اطلاعاتی که دارم متعلق بدولت انگلیس است برای همین قسمت صدها بیست يك اداره محاسبات کاملی دارد در کمیانی نفت . . .

يك نفر از نمایندگان - صدها بیست يك و يك .

اشگر - يك اداره محاسباتی کمیانی دارد يكي هم دولت انگلیس برای اینکه اختلاف حساب پیدا نشود ولی ما که صدها سی از سهام این نفت را داریم نمیدانم چرا نباید يك اداره محاسبات برای نفتش در حساب داشته باشیم که از حساب کمیانی مطلع باشیم و باید محاسبات مربوط به صاحب امتیاز باشد این هم بضرر ما تمام میشود علاوه بنده ربح سرمایه را (با وجود اینکه هر چه نفت استخراج شود مغارج آن جزو قیمت نفت حساب میشود و صدها ده هم علاوه منفعت می طلبد) صدها هفت زیاد میدانم یا اینرا باید کسر کند یا آن صدها ده یعنی ده يك منفعت اضافی را باید کسر کنند

اینجا وقتی درست حساب کنیم باید توضیحاتی که در آخرش هست و عرض می کنم خلاصه اش این میشود همانطوری که الان در محضره نفت گرانتر است از بصره همانطور هم مادر ایران باین شرایط نفت را گرانتر از سایر جاها خواهیم خرید اینجا ذکر میشود که قیمت تعلق که در ایران بفروش میرسد از قیمت تعلق که در بازار دنیا بفروش میرسد نباید زیاد تر باشد

اولا بازار دنیا کجای بازار دنیا معلوم نیست استرالیا آن طرف آمریکای چین یا کجا است؟

ب علاوه اگر يك اروپائی یا چینی یا آسیائی میخواهد نفت بفرد همانقدر باید پول بدهد که ایرانی نفت مال خودش است

اینها از کلیه نفت که استخراج شده این دو خروار که شما میخواهید بفرد اینقدر مغارج بآن تعلق میگیرد که باید بشکشد روی قیمت آن این حساب قطعاً درست در نمیآید غلی الغصوص که حسابش هم چنانکه در فوق عرض شد کمیانی و گذار شد

تدین - اینطور نیست اشگر - (قیمت حقیقی هر يك چلیك از محصولات مذکور به توسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد)

تدین - تبصره يك ماده ۱۲ را بخوانید اشگر - بنده با عبارتی سرو کار دارم که در اینجا دارد مذاکره میشود اگر يك عبارت مهمی در اینجا باشد باید در بازده ورق دیگر عبارت روشن باشد رفع این ابهام را نمیکند در اینجا هم که احتساب و استهلاك میکنند باز مینویسد

(بر طبق محاسبات صاحب امتیاز) و در اینجا ذکر نمی شود که دولت ایران هم حق نظارت در این محاسبات دارد بنابر مثل عرض میکنم که صدها بیست سهام کمیانی نفت جنوب مطابق اطلاعاتی که دارم متعلق بدولت انگلیس است برای همین قسمت صدها بیست يك اداره محاسبات کاملی دارد در کمیانی نفت . . .

يك نفر از نمایندگان - صدها بیست يك و يك .

اشگر - يك اداره محاسباتی کمیانی دارد يكي هم دولت انگلیس برای اینکه اختلاف حساب پیدا نشود ولی ما که صدها سی از سهام این نفت را داریم نمیدانم چرا نباید يك اداره محاسبات برای نفتش در حساب داشته باشیم که از حساب کمیانی مطلع باشیم و باید محاسبات مربوط به صاحب امتیاز باشد این هم بضرر ما تمام میشود علاوه بنده ربح سرمایه را (با وجود اینکه هر چه نفت استخراج شود مغارج آن جزو قیمت نفت حساب میشود و صدها ده هم علاوه منفعت می طلبد) صدها هفت زیاد میدانم یا اینرا باید کسر کند یا آن صدها ده یعنی ده يك منفعت اضافی را باید کسر کنند

اینجا وقتی درست حساب کنیم باید توضیحاتی که در آخرش هست و عرض می کنم خلاصه اش این میشود همانطوری که الان در محضره نفت گرانتر است از بصره همانطور هم مادر ایران باین شرایط نفت را گرانتر از سایر جاها خواهیم خرید اینجا ذکر میشود که قیمت تعلق که در ایران بفروش میرسد از قیمت تعلق که در بازار دنیا بفروش میرسد نباید زیاد تر باشد

اولا بازار دنیا کجای بازار دنیا معلوم نیست استرالیا آن طرف آمریکای چین یا کجا است؟

ب علاوه اگر يك اروپائی یا چینی یا آسیائی میخواهد نفت بفرد همانقدر باید پول بدهد که ایرانی نفت مال خودش است

اینها از کلیه نفت که استخراج شده این دو خروار که شما میخواهید بفرد اینقدر مغارج بآن تعلق میگیرد که باید بشکشد روی قیمت آن این حساب قطعاً درست در نمیآید غلی الغصوص که حسابش هم چنانکه در فوق عرض شد کمیانی و گذار شد

تدین - اینطور نیست اشگر - (قیمت حقیقی هر يك چلیك از محصولات مذکور به توسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد)

تدین - تبصره يك ماده ۱۲ را بخوانید اشگر - بنده با عبارتی سرو کار دارم که در اینجا دارد مذاکره میشود اگر يك عبارت مهمی در اینجا باشد باید در بازده ورق دیگر عبارت روشن باشد رفع این ابهام را نمیکند در اینجا هم که احتساب و استهلاك میکنند باز مینویسد

(بر طبق محاسبات صاحب امتیاز) و در اینجا ذکر نمی شود که دولت ایران هم حق نظارت در این محاسبات دارد بنابر مثل عرض میکنم که صدها بیست سهام کمیانی نفت جنوب مطابق اطلاعاتی که دارم متعلق بدولت انگلیس است برای همین قسمت صدها بیست يك اداره محاسبات کاملی دارد در کمیانی نفت . . .

يك نفر از نمایندگان - صدها بیست يك و يك .

اشگر - يك اداره محاسباتی کمیانی دارد يكي هم دولت انگلیس برای اینکه اختلاف حساب پیدا نشود ولی ما که صدها سی از سهام این نفت را داریم نمیدانم چرا نباید يك اداره محاسبات برای نفتش در حساب داشته باشیم که از حساب کمیانی مطلع باشیم و باید محاسبات مربوط به صاحب امتیاز باشد این هم بضرر ما تمام میشود علاوه بنده ربح سرمایه را (با وجود اینکه هر چه نفت استخراج شود مغارج آن جزو قیمت نفت حساب میشود و صدها ده هم علاوه منفعت می طلبد) صدها هفت زیاد میدانم یا اینرا باید کسر کند یا آن صدها ده یعنی ده يك منفعت اضافی را باید کسر کنند

اینجا وقتی درست حساب کنیم باید توضیحاتی که در آخرش هست و عرض می کنم خلاصه اش این میشود همانطوری که الان در محضره نفت گرانتر است از بصره همانطور هم مادر ایران باین شرایط نفت را گرانتر از سایر جاها خواهیم خرید اینجا ذکر میشود که قیمت تعلق که در ایران بفروش میرسد از قیمت تعلق که در بازار دنیا بفروش میرسد نباید زیاد تر باشد

اولا بازار دنیا کجای بازار دنیا معلوم نیست استرالیا آن طرف آمریکای چین یا کجا است؟

ب علاوه اگر يك اروپائی یا چینی یا آسیائی میخواهد نفت بفرد همانقدر باید پول بدهد که ایرانی نفت مال خودش است

اما در کجا است در اصفهان زمین است و چندین قرن است که هست و ممکن است چندین قرن دیگر هم باشد کسی میتواند بگوید این نفت مال من است که خودش بیرون بیاورد یا اینکه اگر دیگری آمد در آورد آن وقت مصادف میشود با همین قضا و معارج دارد این هم یکی از مغارج است

در اینجا در قسمت الف نوشته است (قیمت نفت تصفیه نشده - قیمت کرایه - مغارج تصفیه و مغارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیرد (و غیره) و در قسمت دوم بعد از الف آن را توضیح میدهد که قیمت نفت تصفیه نشده چیست (من جمله باید مغارج ذیل منظور شود :

مزد عملجات) همان خرجی که شما میگوئید باید مزد عملجاتش را باید داد (و مغارج سوخت) که برای سوراخ کردن زمین و رسیدن به نفت این مغارج سوخت لازم است

(و مغارج حمل آوردن و بیمه و غیره) تمام اینها مغارجی است که اسم برده شده برای توضیح دادن و تعیین کردن اینکه قیمت نفت در زیر زمین چیست بالاخره همان است که شما میفرمائید اینها مغارجی است که ما باید بدهیم و او باید بکند تا این که حساب این نفت را از اصناف زمین بیرون بیاورد پس يك

چیز اضافی و علاوه به موجب این ماده دبه موجب این مآخذ نیابستی بگیرد باز پشت سرش وقتی صحبت کرایه میشود . آقای اشگر میفرمائید با مغارج تصفیه یا مغارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیرد .

اینجا نباید دو چیز را فراموش فرمائید یکی این است که کلیتاً در این حساب هریش و طولیل و حسابی که با کمیانی خواهیم داشت آیا با وسایل تأمین خاطر خودمان و اعتقاد کردن به نتیجه این فرمایشات از هراهی که میخواهد باشد یا از راه نظارت یا از راه کنترل یا از راه رسیدگی به محاسبات یا از راه اطمینان باشخص از هر راه و طریقی که میخواهد باشد باید به بینم کدر اول ما میتوانیم وسایل اطمینان و اعتقاد را پیدا کنیم یا نه ؟

اطمینان حاصل کنیم که قافله ما تا بحشر لنگ است و نه فقط در این قسمت بلکه از اول تا آخرش در همه جا ما دوچار همین معصمه خواهیم بود و اما اگر توانستیم اطمینان پیدا کنیم سهل است البته وقتی کرایه نداشت حساب نمیکند علاوه شما میگوئید این مغز که ممکن است در طهران باشد یا در خراسان یا در شیراز و محل تصفیه در انزلی تا محل معزین برود کرایه ندارد ؟

اگر نداشت نمیگوید تمام اینها که اینجا نوشته شده فرع محاسبه فرع رسیدگی . فرع نواقظ نظر در حقیقت امر است . در ضمن مذاکره آقای تدین بیچتاب عالی

بنده نفهمم یعنی چه ؟ حالا هم مال ما است مگر مال ما نیست

تذکر دادند که تبصره يك ماده بعد را ملاحظه فرمائید که فرمودید در يك موقع يك عبارتی که برای من مبهم باشد توضیحی که دریده باشد کافی نیست این جاد و اشتباه است یکی اینکه در این موضوع بالاخص آنکه محاسبه باشد جایش اینجا نیست در يك قانونیکه بسی ماده دارد و مسائل هم پیچیده دارو در هر ماده که نمی شود تمام مسائل را تکرار کرد باید در نظر گرفت که این بیست و هشت ماده تمام بهم متصل است و مثل حلقه های زنجیر بهم اتصالی دارند تا تمام حلقه ها بهم متصل نشوند این زنجیر تشکیل نمیشود اگر يك حلقه از آنها در بیرون آن زنجیر پاره است و نمیشود که يك ماده را درش نظر کنیم و بگوئیم که فلان معایب را دارد در صورتیکه در چهار ماده بعد رفع شده باشد مخصوصاً ملاحظه فرمائید بنده مقدم این عبارت را برایتان بفرموانم مینویسد :

در تبصره (۱) ماده (بعد) مشروط بر اینکه مغارج موجه و صحیح باشد نه اینکه برای مخفی داشتن منافع واقعی قلنداد شده و بلکه برای حسن اداره امتیاز لازم باشد .

در هر صورت دولت ایران حق تام و غیره محدود خواهد داشت که تمام محاسبات و دفاتر کمیانی یا شرکتهای فرعی آنها را رسیدگی و تفتیش نماید)

این را ببینید خیلی صریح است به علاوه يك قدری دورتر که ملاحظه فرمائید خواهید دید که ما يك ماده داریم که در آن ماده برای دولت ایران قائل بداشتن مدیر در هیئت مدیره شده اید چرا ؟ برای اینکه این دقت هائیکه ملاحظه میفرمائید بنده برای همان تجربیات تلخی است که جناب عالی فرمودید البته این تجربیات تلخ را کسی منکر نیست .

ولی تصدیق فرمائید با در نظر گرفتن آن موجبات سعی شده است حتی المقدور این امتیاز در آیه موجب اعتراض نشود معاینه کرده ایم خودمان را و کمیانی را اینکه يك مدیر هائی در هیئت مدیره داشته باشیم برای چیست ؟

برای اینکه تمام تفتیشات و تمام محاسبات بروی کمر دد به آن دیشت مدیره وقتی که ما در اینجا يك نماینده گانی داشته باشیم يك نظارت معینی هم نه فقط در موقع صدور امر بلکه حق تفتیش در امور و محاسبات راهم داریم و این يك نظارت دائمی است که بواسطه داشتن مدیر در همه موافق و در موقع صدور امر و دادن دستور العمل در آن هیئت مدیره داریم حالا این هارا کنار می گذاریم

باز آقای اشگر وقت فرمائید در خود همین عبارت می گوید (بتوسط صاحب امتیاز) همین عبارت را که شما این قدر اعتراض فرمودید درست ملاحظه فرمائید

(بتوسط صاحب امتیاز با رعایت نکات ذیل حساب و تعیین خواهد شد) این یعنی چه ؟ معنی این است که صاحب امتیاز هر چه نوشت ماقبول کنیم ؟ اگر شما از این عبارت فارسی این استنباط را می کنید حقیقتاً بنده فارسی نمیدانم ملاحظه فرمائید صاحب امتیاز (یعنی چه ؟) دفتر که در دست من و شما نیست دفتر در اداره آنها است ناچار باید حساب بتوسط آن آنها داده شود ولی اینجا که مینویسد (یا صاحب امتیاز مطابق این نکات ذیل حساب خواهد کرد .

تا این (حساب و تعیین خواهد شد) يك طرفی که نیست دو طرف دارد اگر يك طرف بود مینوشت صاحب امتیاز صورت خواهد داد یعنی خود این عبارت بدون این که ما میخواهیم آن را نزدیک بکنیم تبصره يك یا مواد دیگری که داریم بعینه بنده فی حدفنه خودش کاملاً کافی است از برای اینکه اعتراض جناب عالی را وارد ندانند .

اینجا يك مسئله را فرمودند که به طور اختصار عرض کنم دوسه مرتبه راجع به ربح اروپا فرمودند که صدها چهارم صدها پنج است و ماصدی هفت می دهیم این را باید يك قدری نگاه کرد بمقتضات روز و نمیشود متوسل شد بيك قسمت از تاریخ دنیا بلی شاید قبل از جنگ در اروپا و امریکادر ۱۹۰۶ ربح صدها چهار تا پنج بود ولی امروز نیست و بر اثر يك اتفاقی که افتاده است دول معظم مثل فرانسه و انگلیس فروش دولتی که میخواهند و بیست و هفت تا صدها هشت است پس ما نمیتوانیم بگوئیم که همان صدها چهار حالیه هم باشد حالا ممکن است دوسال دیگر دوباره بر گردد به صدها پنج البته امید واریم حوادث دنیا بری خیر بشری طوری بشود که به صدها پنج بر گردد ولی فعلاً این صدها هفت نرخ خیلی نازک و متوسطی است .

راجع صدها ده که علاوه بر ربح استهلاك صدها ده نفع روی قیمت نفت کشیده میشود این را یکی از آقایان گویا آقای تدین تعین بودند جواب دادند و بنده مکرراً نمیکند فقط عرض می کنم فراموش نباید کرد که سرمایه برای نفع بردن است و اگر فقط میخواهست که ربح سرمایه اش را برود دیگر عمل نمیکرد و دیگر سرمایه خودشان را بمخاطره صنعتی نمی انداخت این است که علاوه بر آن ربح سرمایه اش يك منافع دیگری هم باید برود منتها ما آمده ایم آن نفع را محدود کرده ایم و گفته ایم از قیمت نفت دنیا نباید بیشتر باشد ایشان يك مثالی زنده نه قیمت نفت عبادان و بصره و محمره در این قسمت يك توضیحاتی باید عرض کنم که این معین کردن صدها ده برای این است که آن طرز نشود برای این

این است که ممکن است در دنیا يك اتفاق دیگری رخ بدهد که در قیمت نفت مؤثر باشد و ممکن است يك وقتی کمیانی از نقطه نظر سیاسی یا از نقطه نظر تجارتهی و نظرای دیگر نفع را خواست بضرر بفرموشد یا ممکن است يك رقابت هائی پیش بیاید که نفت در دنیا بقدری زیاد بشود که بکلی از قیمت و قدر بیفتد و علاوه يك ترتیبات دیگری که فعلاً فکر ما حاکم به آن نیست و اختیار آن هم در دست ما نیست ممکن است پیش بیاید و خیلی ارزان بشود ما خواستیم کاری بکنیم که اگر همچو وقایعی که ایداً در دست ما نیست اتفاق افتاد ما برای مملکت و ملت خودمان از آن وقایع استفاده کرده باشیم که اگر چنین اتفاقی افتاد ما دیگر آن صدها ده را هم نباید بدهیم زیرا وقتی که قراردادیم يك صدها ده نفع بدهیم علاوه بر ربح و استهلاك برای این است که ما می خریم از بازار دنیا .

آمریکا دارد یا باید ارزان تر باشد اگر آنجا ارزان تر شد آنوقت توهم باید ارزان تر بدهی این را هم که گفتند بازار دنیا کجا است ؟ استرالی یا ژاپون است .

وقتی که گفته شد بازار دنیا معلوم است و اروپائی يك مآخذی دارد يك نقطه بالاخص بازار دنیا نیست و حد وسطی دارد پس این هم اشکالی ندارد .

دیگر چیزی در یاد داشتیم نیست که فرموده باشند و روی هم رفته گمان میکنم این توضیحات کافی بود ولی باز متنادارم که آقایان این قسمت را خوب به خاطر داشته باشند که يك الزاماتی اینجا هست که مربوط است بالاخص به مقررات بین دولت و کمیانی و هیچ نباید فرض کنیم که مردم گرفتار این خواهند بود که باین محاسبات گرفتار شوند

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

که در دوره چهارم در اینجا خاطر هست که ما حساب کردیم و يك حسابی را ماخذ گرفتیم البته با آن نداشتن وسایل و فقدان متخصص نمی توانید يك حسابی را قطعی بکنیم .

ولی تقریبی بنظر ما رسید که قیمت نفتی که در محمره و عبادان بفروش میرسد نفش صدها ده که سهل است بلکه صدها چهل و پنجاه هم بیشتر است

پس اگر ما آمدیم و خواستیم محدود بکنیم يك صدها ده از برای این بوده . حالا آن حساب صحیح باشد یا نه تقریبی باشد ولی مسلم است که ماخذ و میرانی در دست ما نیست که آیا این منافع بقدر است صدها ده است یا صدها دویست است بهر حال برسم عادلانه این صدها ده منافع را بکسی باید داد که سرمایه می دهد .

اما قیمت بازار دنیا را که نوشتیم برای این است که ممکن است در دنیا يك اتفاق دیگری رخ بدهد که در قیمت نفت مؤثر باشد و ممکن است يك وقتی کمیانی از نقطه نظر سیاسی یا از نقطه نظر تجارتهی و نظرای دیگر نفع را خواست بضرر بفرموشد یا ممکن است يك رقابت هائی پیش بیاید که نفت در دنیا بقدری زیاد بشود که بکلی از قیمت و قدر بیفتد و علاوه يك ترتیبات دیگری که فعلاً فکر ما حاکم به آن نیست و اختیار آن هم در دست ما نیست ممکن است پیش بیاید و خیلی ارزان بشود ما خواستیم کاری بکنیم که اگر همچو وقایعی که ایداً در دست ما نیست اتفاق افتاد ما برای مملکت و ملت خودمان از آن وقایع استفاده کرده باشیم که اگر چنین اتفاقی افتاد ما دیگر آن صدها ده را هم نباید بدهیم زیرا وقتی که قراردادیم يك صدها ده نفع بدهیم علاوه بر ربح و استهلاك برای این است که ما می خریم از بازار دنیا .

آمریکا دارد یا باید ارزان تر باشد اگر آنجا ارزان تر شد آنوقت توهم باید ارزان تر بدهی این را هم که گفتند بازار دنیا کجا است ؟ استرالی یا ژاپون است .

وقتی که گفته شد بازار دنیا معلوم است و اروپائی يك مآخذی دارد يك نقطه بالاخص بازار دنیا نیست و حد وسطی دارد پس این هم اشکالی ندارد .

دیگر چیزی در یاد داشتیم نیست که فرموده باشند و روی هم رفته گمان میکنم این توضیحات کافی بود ولی باز متنادارم که آقایان این قسمت را خوب به خاطر داشته باشند که يك الزاماتی اینجا هست که مربوط است بالاخص به مقررات بین دولت و کمیانی و هیچ نباید فرض کنیم که مردم گرفتار این خواهند بود که باین محاسبات گرفتار شوند

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

بنده یقین دارم که هیچ مجالسی درست نمیتواند در موقع فروش نفت این حسابها را بکند متلاذ روز پنجم برج بنده میخواهم دوشروازنت بخرم در روز پنجم برج این مغارج را حساب کند مثلا مدیر آن قدر متشی آن قدر و تا بجا آن قدر از اوقات خریدیم

و هیچ انبساطور نیست بکمیته کمیابان بعد از اینکه خودش حساب کرد روی نقش میگذارد این جزئیات برای این است که دولت برود در دفتر او نقش کند و ببیند آیا مطابقت با تعهدات میکند یا نمیکند اگر نمیکند او هم تصدیق نمیکند و اگر تصدیق نکرد البته کمیابان منافع در خطر است و البته بنده هم تصدیق میکنم که هیچ وقت نمیشود در سریک دکانی یا یک مغزنی آن حسابهای مفصل حساب کرد.

(جمعی اظهار کردند - مذاکرات کافی است) - بنده توضیحات داشتم. رئیس - مذاکرات کافی است؟ مغرب - اجازه فرمائید اینجا یک تذکره ای به بنده داده شده است که در قسمت الف که در قسمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مخارج ذیل منظور شود. مزد عمه و غیره. اینجا یک اعتراضی به لفظ من جمله هست که شاید از نقطه نظر ظاهر درست آن مقصود معنی رانساندولی ادر کمیسیون هم و استیم چیزی چیز میگنایم نتوانستیم فراسه اش هم این است A - Le prix de revient du pétrole brut, du transport du raffinage et de la mise en rente en Gerse etc.

Prin de revient dans lequel bien enten du, il faut faire entrer en autres, les depens en telles que se claires des employés et cavriers fais du combus tibles

این (من جمله) را برای این میگذاریم که علاوه بر مخارجی که در اینجا ذکر شده ممکن است یک چیزهای دیگری باشد که آنها هم در موقع حساب شدن لازم باشد حالا ما ما آمدیم در اینجا قسمت های مهم و سببش را ذکر کردیم و اگر یک لفظ دیگری که بهتر باشد این مقصود را برساند آقایان در نظر دارند بفرمایند ضرر ندارد.

رئیس - پیش نهادت قرائت میشود. حائری زاده مذاکرات کافی نیست. رئیس - گفتند کافی است. حائری زاده - اجازه فرمائید عرض کنم بموجب قانون حق دارم بگویم کافی نیست.

رئیس - بفرمائید. حائری زاده ما اصلا این ماده در کمیسیون مذاکرات کمتر در اطرافش میشد و دوسه جلسه معطل شد ممکن است بعضی اظهاراتی بواسطه آن ترکیبات عبارتی بیاید بعضی که در بادی نظر وقتی که یک مباحثاتی میشود کاملاً در اطرافش نقادی نشود ملتفت نشوند مثلاً راجع بکار تصفیه یک عبارتی نوشته است.

عادل الملک - بنده اخطاری دارم. رئیس - بعد از ایشان بفرمائید. حائری زاده - نوشته است. آن مقدار فعلی که در ایران مصرف

میشود باید در ابتدا تصفیه نمایند. مفهوم مخالفش این میشود و در هیچ جای قانون پیش بینی نشده است که ممکن است تصفیه و عملیاتی نفتی در خارج ایران بشود و ما بیشتر نظریه داریم سرمایه خارجی را جلب بکنیم و معادول خودمان بدهیم برای این است که کارگران و عملیات خودمان کار بکنند و بیکار نمانند و عملیات نفتی در ملک خود نشود. نفت جنوب کارخانه تصفیه را رفته است در انگلستان ساخته است ما باید این معایب را پیش بینی کنیم و تا در کاملاً مذاکره نشود این معایب را نمی شود درست جلو گیری ورد و من عقیده ام این است که این مذاکرات باید بیشتر شود. رئیس ده بیست فقره پیش نهاد رسید است. آقای عادل الملک اخطاری داشتند. عادل الملک وقتی که راجع بکفایت مذاکرات صحبت میشود یک نفر که مخالف است باید در کفایت و عدم کفایت مذاکرات صحبت بکند و نباید در ماهیت مطلب حرف زدند ولی ایشان هم در این زمینه حرف زدند. رای میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانی که کافی میدانند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - رای داده شد بکفایت مذاکرات. دو فقره پیش نهاد از طرف آقای شیخ الرئیس است (یک فقره آن شرح ذیل قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم سالی دو مرتبه وزارت تجارت این ماده را مذاکره نموده با اطلاع کمیابان قیمت مواد را تعیین و با اطلاع عامه برساند. رئیس توضیحی دارید؟ محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس بلی بآهر ترتیبی که این ماده بگذرد چه وقت چه بیشتر چه کمتر این مواد و این جزئیات که خوانده شد در حقیقت یک راه حلی ندارد که یک کسی که میخواهد نفت بخرد چه طور حساب بکند که معلوم شود قیمت نفت چه قدر است و چه طور باید بخرد ده روز هم حساب بکنند معلوم نخواهد شد بموجب هم باید قیمت کمیابان را بپذیرد و اسباب معطلی بشود. عقیده بنده این است که سالی دو مرتبه وزارت تجارت با نماینده کمیابان باید این ماده را مطرح بکنند و ببیند قیمت نفت با آن مخارجی که شده است چقدر است و اعلان کنند که تا شش ماه دیگر قیمت نفت به این ترتیب است. بهترین چقدر است مازوت چقدر است و مردم بیشتر بخرند ولی کمیابان اگر خواست ارزان تر بفروشد البته خودش میدانند اگر قیمت راجع بازار دنیا بود عرضی ندارم ولی راجع قیمت داخلی اگر فروشنده یا خریدار متقاعد نشوند یک قاعده داشته

باشند که تمام اهالی بدانند قیمت نفت چقدر است. به این جهت بنده پیش نهاد کردم که سالی دو مرتبه نماینده کمیابان یا نماینده دولت بنشینند حساب کنند یک اعلان عمومی بکنند که از حالا تا فلان وقت قیمت اینها این است و برای آسایش مردم عقیده بنده این است که این نظر اتخاذ شود. رئیس عقیده کمیسیون چیست؟ مغرب - کمیسیون موافق نیست توضیح مفصالی هم لازم نیست عرض کنم برای اینکه قبلاً در جواب آقای اشکر عرض کردم تعیین این قیمت ابداری بطی و تجار و مردم ندارد. نفتی را که خریدارها کثرت می کنند که بخرند خود کمیابان یک قیمتی روی آن می گذارد تقشش این قیمت و اینکه مطابقت میکند با قیمت اصلی یا نه مربوط بدولت است. دولت میتواند سالی یکده مده دفته صد فقه هروقت که بخواهد توسط وزارت تجارت و مامور خودش توسط هر کسی که بخواهد تقشش کند. این تعهد نیست که شده است که شده است که کمیابان این ترتیب را بکنند مثل سایر تعهدات کمیابان باید اجرا شود و اگر اجراء شد امتیاز تو شود دیگر اینکه دولت بچه ترتیب و چه موقع این کار را بکند کار را راجع است میبکند. اشکر - بنده مخالفم. رئیس - رای میگیریم بقبایل توجه بودن این پیش نهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده کمی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. اصلاح دیگر (شرح آتی قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم در عرض سایر مواد مستخرجه (نوشته شود، در تمام مواد بیکه به موجب ماده اول امتیاز آن بکمیابان داده شده. محمد هاشم میرزا رئیس - توضیح بدهید. شیخ الرئیس - عرض میکنم وقتی که میخواهیم امتیاز بکمیابان بدهیم در آن ماده می نویسیم. نفت و مازوت و بنزین و نفت تصفیه نشده همه نکات آنرا می نویسیم و بندهم احتیاطاً می نویسیم تمام مشتقات و متفرعات و خانواده و خوشاوندان نفت. ولی اینجا اینطور می نویسیم. این است که بنده پیش نهاد میکنم اینچاهم نوشته شود رجوع به آن ماده و چیزیکه در آنجا نوشته است و امتیاز به کمیابان داده میشود در این جا هم نوشته شود یعنی هوس سایر مواد مستخرجه نوشته شود تمام مواد بیکه بموجب ماده یک بکمیابان داده شده. که وقتی خواستیم با آنجا رجوع کنیم و بالاخره در اینجا مفصل نوشته شود. رئیس - آقای مغرب چه عقیده دارند؟ مغرب - در اصل مسئله با حضرت والا

مواقف و این سایر مواد مستخرجه که نوشتیم مقصودمان همین بود و اگر بنا شود همین عبارات ماده اول نوشته شود اشکالی پیدا نخواهد کرد چیزیکه هست ممکن است تولید زحمت و اشکالی برای ما بشود و زحمتش برای ما نیست که ما باید صبرت نسخه فرانسه را تغییر بدهیم و لو اینکه معنایش هم تغییر نکند باید به طرف هم مراجعه بکنیم. با این حال بنده در این مورد اصلاح شاهزاده را می پذیرم برای اینکه شاید هنوز اصلاح فرانسه اش اشکالی نداشته باشد ولی این را تذکر میدهم برای بعد از این وقتیکه آقایان پیشنهاد میکنند این مسئله را در نظر بگیرند که اگر آن پیشنهاد با معنی قانون فرقی دارد بگویند و اگر چیزهای خیلی جزئی مثل (سایر مواد مستخرجه) یا مواد هیدرو کربور متجانس نفت است این فرقی نمیکند چنانکه ما را دوچار زحمت مینماید ولی حالا بنده من آن چیزیکه در ماده اول است یعنی کلمه (مواد هیدرو کربور متجانس با نفت) را بجای مواد مستخرجه از نفت قبول میکنم. رئیس - (خطاب به مغرب) ایشان مراجعه دادند بنده اول. مغرب - بنده یک نمیتوانم مراجعه اش را قبول کنم لیکن در بین ماده میتوانم اصلاح کنم. رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقای شیخ الرئیس آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. پیش نهاد آقای حاج میرزا عبدالوهاب قرائت میشود. (شرح ذیل خوانده شد) بنده پیش نهاد میکنم لفظ (غیره و چیزهایی که باید ذخیره داشت) از قسمت الف حذف شود. رئیس - بفرمائید. حاج میرزا عبدالوهاب - بلی در اینجا در قسمت الف می نویسد: قیمت نفت تصفیه نشده قیمت کرایه. مخارج تصفیه و مخارجی که برای فروش در ایران تعلق میگیرد (غیره) دیگر لفظ (و غیره) ببقیده بنده مجمل است و شامل خیلی چیزها میشود و ممکن است اسباب گرانی نفت بشود ما مقصودمان اینست که نفت ارزان تر باشد و همین طور می نویسد در قیمت نفت تصفیه نشده من جمله باید مخارج ذیل منظور شود: مزد عملیات و اجزاء و مخارج سوخت و مخارج عمل آوردن و بیمه و قیمت خرید اجناس و نگاهداری اسباب و ادوات و هم چنین قیمت چیزهایی که باید ذخیره داشت این دو لفظ ببقیده بنده مجمل است و شامل همه چیز میشود علاوه اسباب گرانی

نفت میشود و اگر حذف شود بهتر است. رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن این پیشنهاد. مغرب - کدام پیشنهاد مقرر بفرمائید مجدداً بخوانند (شرح سابق قرائت شد) مغرب - حذف غیره را در این قسمت می پذیرم ولی قسمت دیگرش را نمی پذیرم. حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم آن جزء دیگرش را پس میگیرم. رئیس - اصلاح دیگریست از آقای حاج میرزا عبدالوهاب سهام السلطان - در پیش نهاد اولی قسمت چیزهایش چه شده؟ رئیس - یک قسمت را آقای مغرب قبول کردند و قسمت دیگر را خودشان مسترد داشتند. (پیشنهاد دیگر آقای حاج میرزا عبدالوهاب) شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم میزان گالون و فاهرن هانت بفارسی نوشته شود و به میزان وزن معمول طهران که ششصد و چهل مثقال است معین شود. رئیس - توضیح بدهید. حاج میرزا عبدالوهاب - بلی بنده قبلاً هم عرض کرده بودم و حالا هم عرض میکنم که باید عبارت طوری باشد که همه کس بجهت فردا یک تاجری که می رود نفت بخرد چه می فهمد گالون و فاهرن هانت یعنی چه خوب است آقای مغرب توضیح بدهند و آن لفظ را بفارسی تبدیل کرده و به میزان معمولی طهران تغییر بدهند چون لایحه ارزان به مجلس آمده و هنوز تصویب نشده. از این جهت بوزن تبریز که امروز معمول شهر طهران است (که چهل من یا پنجاه من باشد) تبدیل شود والا ببقیده بنده اینطور هیچ معلوم نیست و گالون و غیره معنی ندارد. مغرب - جواب اظهارات آقای حاج میرزا عبدالوهاب را بنده قبلاً دادم و عرض کردم که این هیچ مربوط بر دم نیست و هیچوقت تولید زحمتی نخواهد کرد ولیکن اگر قانع میشود به این اندازه که اینچادر مقابل این گالون در ایران بنویسیم که بوزن ایران چقدر است از برای مطابقت از طرف کمیسیون می پذیرم ولی قسمت دیگری که راجع به درجه است نمیتوانم قبول نمیکند. رئیس - (خطاب به مغرب) بعد این کار را خواهید کرد؟ مغرب - بلی بلی. رئیس - (خطاب به حاج میرزا عبدالوهاب) قسمت ثانی را مسترد میدانید یا اینکه رای میگیریم؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم مقصود همین بود که در بین الهالین نوشته شود. رئیس - یک قسمتش را قبول کردند. حاج میرزا عبدالوهاب - پس قسمت دومش را مسترد میندارم. رئیس - پیشنهاد آقای ارباب کیخسرو قرائت میشود. (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده دوازده اصلاحات ذیل بعمل آید ۱- در قسمت اول بعد از تعلق بگیرد کلمه (و غیره) حذف شود. ۲- در تبصره قسمت دوم بعد از عبارت (که برای رفع احتیاج اهالی) مزید شود و دولت ایران. رئیس - توضیح بدهید. ارباب کیخسرو - در قسمت اول که مقصود حاصل شده است عرض ندارم. در قسمت دوم که نوشته شده است: و بطور کلی عموم مواد مذکوره که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود. بنده لازم میدانم کلمه دولت هم مزید شود که بعدها تولید مشکلاتی نشود اگر در جای دیگر دارد این عبارت را که بنده عرضی ندارم ولی اگر ندارد گمان نمی کنم اگر در اینجا نوشته شود خیلی خوب است. مغرب - اگر یک قدری بالاتر سطر سوم صحنه دوازدهم را ملاحظه بفرمائید گفته است. مقصود از جمله مصرف داخله ایران صارت از مقدار نفت تصفیه شده و بنزین و مازوت و نفت و سایر مواد نفتی طبیعی که دولت و اشخاص متفرقه و شرکتها و کمیابها و هر مؤسسه دیگر در ایران بصرف میرسانند و بطور کلی عموم مواد مذکوره که برای رفع احتیاج اهالی ایران تقاضا شود. حقیقتاً شامل همه هست. ارباب کیخسرو - اجازه بفرمائید؟ رئیس - بفرمائید. ارباب کیخسرو - چون دیگر حق توضیح ندارم بنده پس میگیرم. (پیشنهاد آقای کارزونی شرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ربح سرمایه صدی پنج علاوه نباشد. رئیس - توضیح میدهید؟ کارزونی - بلی ربح در دنیا مختلف می شود به اختلاف اشخاص و اعتباراتشان. بعضی بانکها هست که ربح را از صدی دو و صدی سه علاوه نمیکند و مابین تجار هم ربح صدی شش معمول و متداول است یعنی اگر یک نفر تاجر ایرانی طرف باشد با یک نفر تاجر اروپایی ربح معمول و جاری مابین این دو نفر صدی شش است اگر آقایان اطلاع ندارند مراجعه کنید به بینندگان که تنزیل آزاد است و شاید صدی هفت

یاصدی هشت هم باشد اما چه طور؟ نه اینست که پول در اروپا کم شده باشد بلکه چون اعتبارات اشخاص یک اندازه تغییر و تبدیل پیدا کرده همین طور اعتبارات پول هم تغییر پیدا کرده لیکن در صورتیکه طرف کاملاً معتبر باشد مثل اینکه شخص نسبت بسرمایه خودش برای خودش از تمام اهل عالم معتبر تر است. این کمیابان هم سرمایه که دارد سرمایه خودش است با این حال نمیشود گفت که شاید این اندازهها حاضر نباشد بنا بر این بنده پیشنهاد کردم که صدی پنج باشد و این صدی پنج هم که عرض میکنم خیالی می کنند خیلی کم است اگر آقایان می خواهند بدانند کم است یا زیاد مراجعه کنند به بین بانک شاهنشاهی و در آنجا یک پولی با بدهند اگر بعدی سه قبول کرد پس معلوم میشود که پیشنهاد بنده مورد مورد ندارد اما اگر صدی سه هم نه پذیرفت در صورتیکه بهر کمیابان باسراف خانه بخواهید بدهید بعدی سه یا صدی چهارم نیز بفرستند معلوم میشود همان طور که بنده پیشنهاد کرده ام که تنزیل پول خودش برای خودش باشد این مقدار کم نیست و صدی هفت برای یک چنین موضوعی زیاد است و عادلانه نیست. رئیس - رای میگیریم آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند. (عده قلبی برخاستند) رئیس قابل توجه نشد. اصلاح دیگر. (شرح ذیل قرائت شد) بنده پیش نهاد میکنم منفعت صاحب امتیاز از مواد نفتی برای مصرف ایران زیاده از صدی پنج نباشد. ۴۰۰ ع کارزونی. کارزونی - استرا با دمیکنم. رئیس - یک صدی پنج دیگر هم مغرب - اینست. (پیشنهاد آقای اشکر شرح ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم نفع فروش نفت در ایران از صدی پنج تجاوز نکند. اشکر - در عرضی که قبلاً عرض شد چون نداشتم در جواب آقای مغرب عرض بکنم پیش نهاد کردم. عرض کردم که در یکجا نفع سرمایه گرفته میشود و در جای دیگر تمام مخارج محسوب میشود و در آنجا نوشته میشود قیمت بازار دنیا همان طور که آقای مغرب فرمودند در بازار دنیا یک رقابت هائی پیدا میشود و یک جزر و مدهائی تولید میشود که ما هم حق داریم از آن زر و مدها استفاده کنیم.

بنا بر این بنده پیشنهاد کردم پس از آنکه تمام مخارج اساسی و غیر اساسی استخراج نفت محسوب میشود ربح سرمایه را هم صدی هفت آقایان تصویب بفرمایند. بنا بر این بنده متقدم که یک دهو نیم هم علاوه کنند یعنی کمیابان بیش از صدی پنج بگیرند و بنده گمان میکنم که کمتر تجارنی باشد که دهنیم هم منفعت بکنند اگر یک کسی بکفایت هم بخرد بخواهد اجازه بدهند بعد از وضع مخارج صدی پنج کمتر بکشند می آید. حاج عزالملك بنده مخالفم. رئیس - بفرمائید. حاج عزالملك عرض میکنم که آقای پیشنهاد میکنند صدی پنج بگیرد صدی ده بگیرد بنده پیش نهاد میکنم صدی دو بگیرد خیلی هم خوب است اما باید فهمید که این کمیابان قبول میکنند یا قبول نمیکند اگر کرد آن وقت آقای اشکر ضرر او را جبران میکنند اشخاصیکه مطالعه کرده اند این کار را باید ببیند که آنها چه داشته اند و بوجه مناسب بوده است این طور پیش نهاد کرده اند آقایانی که پیش نهاد میکنند رومی شود تعجب نکنند از آقایانی که رای نمی دهند صدی ده صدی پنج شود اینک رای نمی دهند از روی یک نظریه است زیرا باید طرف قبول بکنند والا ممکن است آقایان پیش نهاد کنند صدی دو یا صدی سه بشود ولی ببقیده بنده نمیشود. رئیس آقای کارزونی (اجازه) مدرس باپیتی - اعضاء کمیسیون یا مغرب توضیح داده باشند حاج عزالملك مخالفه صرف کردند اگر چه هم برمان هم مایه در دست راست. (همه بین نمایندگان) مغرب (خطاب بکارزونی) اگر توضیحاتی دارید بفرمائید بنده جواب بدهم. مدرس - ایشان عضو کمیسیون نیستند بلی نیستند. مغرب (خطاب بکارزونی) نمیخواهید حق نطق را به آقای مدرس واگذار کنید. (صدای زنگ رئیس دهنوت بسکوت) کارزونی وقتی در قسمت شمالی اهالی ایران میخواهند امتیاز نفت را مطرح کنند میگویند آن صدی هشتادی گانه را برای صاحب امتیاز منظور داشته اند بعد از استهلاك سرمایه و غیره و بعد از گرفتن پول کارخانجات و هزار چیزهای دیگر آن وقت هم اگر بخواهند یک قدری نفت نوبی چراغشان بریزند باید به فلان قیمت خریداری نمایند (زمره از طرف بعضی نمایندگان) بلی قطعاً طرف شمال نفت میخورد

جنوب نفت دارد این نفت جنوب نمیرود بنابر این پیش نهاد شد که یکدهم نیم بعد از وضع خراج بیشتر منقذ نگردد یعنی مثل یک نفر تاجر حساسی که اگر ده و نیم منقذ بگیرد مشمول هم میشود اینجا تمام دلیل آقا این بود که طرف قبول نمیکند اگر دلیل این است خوب بود تنها همان لایحه را میآوردند و میگفتند طرف این لایحه را قبول میکنند و غیر از این نمی پذیرد

بیک قیام فرمود در آن لایحه رای داده میشد و این مشاجرات هم لازم نبود برای اینکه کمیانی قبول نمیکرد

در هر صورت اگر یک کسی پیشنهادی کرد نباید در مجلس هر شود و عقاید آزاد است و نظر تقریبی نیست و عقاید اظهار کرد و مقصود مامم غیر از این پیش نهاد چیز دیگری نیست کمال موافقت را هم داشته و داریم و اگر اتفاقاً یک پیش نهادی شش برای اینکه در خارج از سرسوی شکند نیابتی یک مخالفان در اعتراض شود

رئیس شما که از حدود توضیح بگلی خارج شدید

مخبر اجازه میفرمائید

اولاً اینجا گویا آقای مدرس اعتراض از تقاضای نظر مذاکرات داخلی در کمیسیون داشته خلی خوب بود که میفرمودند و بنده هم می شنیدم

این صدی ده بعد از مذاکرات زیادی با دلیل و برهان در کمیسیون تصویب شد حالا بنده دفاع آقای حاج میرزا مالک را تصدیق نمیکند

که چون طرف قبول نمیکند نباید این را پذیرفت

غیر بنده این را قبول ندارم اما این راهم باید در نظر گرفت که طرف مقابل وقتی می آید باید کمیسیون یا یک طرف معامله مذاکره میکند باید قلم در دست گرفت

مدا در دست گرفت و حساب کرد حرف حسابی را قبول و غیر حسابی دارد کرد

بنده می خواهم عرض کنم که این مذاکرات از دو سال قبل بوده است و در دوره چهارم در اطراف این قانون در کمیسیون و مجلس مذاکرات زیادی شد حالا اگر من اشتباه میکنم در کمیسیون چیزی بوده که مخالف نیست

استدعا میکنم آقای مدرس توضیح بدهند البته اگر صحیح باشد اصلاح می کنیم ولی آنچه که بنده اطلاع دارم و از نظرم کمیسیون عرض میکنم این صدی ده را که کمیسیون پذیرفته از نقطه نظر این است که طرف کتر از این قبول نکرده است

بالتبع همانطور که بعضی از آقایان جهت بنده عرض می کنند که مگر

ایباری داریم

مگر نشون پشت سرمان است

شیرنه اجباری داریم و نه عشقونی پشت سرمان است اینها نیست

بلکه منافع حیاتی و اساسی منکلت را اینطور تشخیس دادیم سابقاً گفتیم حالا هم بگوئیم

چنانچه در دوره چهارم در کمیونی که این کمیسیون وادار است بقدری فائل بنافع اساسی منکلت بودیم که اگر در یکجا میدیدیم منافع اقتصادی ما آن اندازه زیاد نبوده است صرف نظر می کردیم چرا

برای اینکه ما دنبال منافع اساسی منکلت رفتیم و تشخیس دادیم که کمیانی مستقل متبر امریکائی وادان این امتیاز باو کاملاً مخطا می کند با آن منافع منظور

رئیس - آقای دست غیب موافقت با مخالفان

(جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم قابل توجه بودن این اصلاح آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(عده قلیبی قیام نمودند)

رئیس قابل توجه شد

پیش نهاد دیگری است از آقای اخگر

(بترتیب ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم مخارج نگاهداری اسباب و ادوات حذف شود

رئیس توضیح بدهد

اخگر قیلا از آقایان استدعا میکنم که در پیش نهادها با ملاحظه اشخاص پیش نهاد کننده نظر نکنند

اسباب و ادواتی که کمیانی نگاهداری میکنند در مخزن خودش و آنها را برای یک عملیات آتی می خواهد بی - بایستی مخارج نگاهداری این اسباب و آلات در جزو مخزن نفت امروزه معسوب شود

وقتی که ما این همه بمل و بخشش می کنیم البته یک قدری هم بایستی ملاحظه کنیم که برای این خریدار بیچاره هم اسباب ضرر نوق الماده نشود کمیانی صدی هفت رجب بگیرد

صدی ده منقذ بگیرد مخارج استخراج را حساب میکنند

استهلاک سرمایه میکنند

آلات و ادوات راهم که امروزه لازم ندارند

در آتی از آنها می خواهد استفاده کند البته هر وقت خواست از آن آلات و ادوات استفاده کند آن وقت جزو مخارج باید حساب کرد ولی حالا نباید مخارج نگاهداری آلات و ادواتی که در سال دیگر برای مخارج لازم دارد

بای قیمت امروزه حساب کرد

علیهذا بنده پیشنهاد میکنم که این قسمت حذف شود

مخبر - البته باید که اشتباهی فرمودید زیرا تصور فرمودید که نگاهداری آلات و ادوات آنهاست که آورده توری مخزن گذارند آنها باید نگاهداری کنند

شیر این آلات و ادواتی است که با آنها کار می کنند خراب می شود باید تعمیر شود مقصود از نگاهداری تعمیر است روغن زدن است اگر شکست باید تعمیر شود

اگر برهانش شکست باید آن برهانش را عوض کرد مقصود از نگاهداری اینطور چیزها است که اهم است

رئیس آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلیبی برخاستند)

رئیس قابل توجه شد

اصلاح دیگری راجع بربیع صدی پنجم است

پیشنهاد کرده اند چون پیشنهادی که آقای کاژونی کرده بودند در اینهم مثل همانست پیشنهاد دیگری است که قرائت می شود

(بمبارت ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم بیست چیزهایی که باید ذخیره داشت حذف شود

اخگر - اولاً چیزی معلوم نیست که چیست و اختیاری بکمیانی واکتار شده که هر چیزی که بخواهد نگاهداری کند همین عنوان نگاهداری حالا خواه مر بوط به نفت و استخراج نفت باشد یا نه و در این قسمت چیزی مانیکه باید ذخیره شود گمان میکنم دیگر موضوعی را که راجع نگاهداری فرمودند تأمین نمیشود پس بقیه بنده این لفظ لزومی ندارد که قیمت چیزهایی که ذخیره میشود بر قیمت نفتی که به فروش میرسد اضافه شود علیه بنده پیشنهاد میکنم حذف شود

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(معمودی برخاستند)

رئیس - قابل توجه شد اصلاح دیگری است از آقای اخگر

(بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا بفروش میرسد زیادتر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لااقل ده درصد ارزانتر باشد

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا بفروش میرسد زیادتر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لااقل ده درصد ارزانتر باشد

بنده پیشنهاد میکنم اینکه نوشته شده است قیمت نفت از آنچه در بازار دنیا بفروش میرسد زیادتر نباشد کافی نیست نوشته شود حتماً لااقل ده درصد ارزانتر باشد

است یک رقابت هائی در بازار دنیا ایجاد شود که آن رقابت ها باعث ارزانی نفت در خارج بشود بنده دلیلی نمی بینم که اگر رقابت هائی در بازار دنیا ایجاد شود و کمیانی بخواهد در بازار دنیا ارزان تر بفروشد ما از این اصول استفاده نکرده باشیم که ارزان تر بفرویم و بنده بنامت اینکه در مورد را معذور میدانم مقایم را اظهار کنم از این جهت پیشنهاد میکنم و چنانچه مثل سایر پیش نهادات آقایان رد می کنند مختارند

مخبر بنده خیلی متأسف هستم از اینکه شاید آقایان پیش نهاد کنندگان عدم قبول بنده وادان رای آقایان نمایندگان را همچو حمل کنند که یک نظریاتی در بین باشد البته تصدیق میفرمایند که هیچ نوع نظری نباید باشد بخصوص برای بنده که هیچ نوع نظر اقل و اکثری ندارم چه آقای اخگر و کاژونی پیش نهاد میفرمایند وجه یک نفر از میرزترین و برجسته ترین لیدر اکثریت برای بنده هیچ فرقی نسکند در صورتیکه می بیند گزارا یک اعتراض میشود که اینها را بنده ده دفعه جواب داده ام و متقدم جوابی که داده ام متعجب بوده است حالا آقایان که رای میدهند ناچار قبول از عرض بنده این عقیده را داشته اند و بعد اقتناع شده اند پس این را نباید حمل بچیزی کرد تا وقتی که حساب میکنیم و با منطبق و معادله نگاه میکنم و می بینم این شرایطی را که ما برای نفت قرارداده ایم با صدی ده منقذ در منکلت ما خیلی ارزان است و شاید انشاه الله از این قیستی که امروز در منکلت معمول است به مراتب ارزان تر باشد

مدرس - از صدی پنجم هم ارزان تر است

مخبر - از صدی پنجم قطعاً ارزان تر نخواهد بود اما از صدی یازدهم و صدی بیست ارزان تر خواهد بود و قیست دارم از قیستی هم که در بازار دنیا فروخته میشود ارزان تر خواهد بود ولی این یک شرط احتیاطی است در هر حال از قیستی که در بازار دنیا فروخته میشود در منکلت ما گران تر نخواهد بود ما در صد احتمال اشتاد و خود معامله نخواهد شد خیلی ارزانتر خواهد بود و خبر از این هم نمیشود و اگر دیگر کرد

بنده پیشنهاد میکنم که این کلمه را لازم دانستم که سایر مواد نفتی را اضافه کنیم و یک جمله دیگر که لازم میدانم حذف شود

رئیس پیشنهادی است از آقای کاژونی

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیش نهاد میکنم که در قسمت دوم از ماده دوازده نوشته شود قیمت نفت در ایران علاوه بر قیستی که در بار کوب فروش می رود علاوه گریه و مخارج حمل و نقل نباشد

کاژونی - مقصود بنده در قسمت دوم است که می نویسد

قیستی که صاحب امتیاز مطابق مقررات این ماده برای مواد راجعه بصرف داخله ایران زمین میگند از قیستی که صاحب امتیاز در همان تاریخ مواد مزبوره حاصله از این امتیاز در بازار دنیا می فروشد نباید زیادتر باشد

بنده عرض میکنم دنیا مقابل آخرت مسلم است کجای دنیا؟ طرف شمال طرف جنوب؟ زیر خط استوا اینها تمام دنیا است و این مسئله از برای ما اسباب زحمت است همسایه ما اینجا باد کوبه است و نفت دارد برای حمل دنیا قیستی هم دارد پس اگر ما خواستیم مقایسه کنیم با قیمت نفت دنیا و بیدیم از نفت باد کوبه گران تر شد حق داشته باشیم همان قیستی که در باد کوبه بفروش می رود حساب نکنیم و به علاوه اگر بنا باشد فرضاً برای اسفهان حمل شود کربابه و مخارج حمل و نقل بر آن اضافه شود

رئیس - آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(جمعی قلیبی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد

پیش نهادی است از آقایان حائری زاده وزعیم

(به این مضمون قرائت شد)

پیشنهادی میکنم که ماده دوازده به عبارت ذیل اصلاح شود معنی اینکه بسکته ایران نفت (کروئین) (بزرگ و کاژولین) و سایر مواد نفتی که برای احتیاجات آنها لازم است به قیمت متدلی فروخته شود صاحب امتیاز بشروط ذیل عمل خواهد کرد

حائری زاده - سید حسن وزعیم حائری زاده در دو جمله فقره اول از ماده ۱۲ بنظر ما رسیده بود که لازم است یک چیزی اضافه یا حذف شود قسمت اول که مهم بود اضافه شود کلمه سایر مواد نفتی است چون نوشته است (مخمس که بسکته ایران (کروئین) و بزرگ (کاژولین) و سایر مواد را نمی نویسد در صورتیکه سایر مواد هم محل حاجت مردم است و لازم است در اینجا یک اشاره شود

این بود که این کلمه را لازم دانستم که سایر مواد نفتی را اضافه کنیم و یک جمله دیگر که لازم میدانم حذف شود

ضرر ندارد برای ما چنانچه در موضوع نفت جنوب خساراتی متوجه ما شده است و ملتفت شده ایم که بواسطه عملیات نفتی است در خارج ایران و آن استفاده که ما از امتیاز نفت باید بکنیم نمیکنیم یعنی مردم آن استفاده را از نفت جنوب نمیکنند شصت هزار نفر مشغول کار است ولی بیست هزار نفر بیشتر (به موجب کتاچه اطلاعات خود کمیانی) از ایرانی نیستند به جهت اینکه در نزد یکی لندن یک شهری برای تصفیه نفت ساخته اند و سه میلیون لیره خرج کرده اند و وقتی بنا باشد مادر این امتیاز نامه تصریح کنیم که تمام عملیات نفت (سوی تجارتش که باید در خارج باشد) از حیث تصفیه و غیره

مخبر غیره را توضیح بفرمائید

حائری زاده ساختن مخزن لوله کفی و این قبیل بایستی در حدود منکلت خودمان مخزن و کارخانه تصفیه داشته باشد بنده اطلاعاتی ندارم حضرت والا هم تصور نمی کنم اطلاعات کافی داشته باشند باید به متخصصین فنی اش رجوع کرد

مخبر استوالی که بنده میکنم برای این اینست که اعتراض را بفهم

حائری زاده - ما باید برای احتیاجات داخلی مان آن کمیانی را مکلف سازیم که کارخانه تصفیه را در منکلت ما سازد اگر بنا شود نفت سیاه را حمل کند و بپردد آمریکا تصفیه کند این منقذ مانست

باید تمام عملیات نفتی در منکلت بشود این صدی بیست که ما میبدهد یک چیز زیادی نیست

پس اینقدر باید تمهید بکنیم که این نفتی را که امروزه محتاج الیه دنیا است و می دهیم بکمیانی برای این است که مردم در سایه عملیات نفتی استفاده میکنند و اگر ما در اینجا فقط منحصر بکنیم عملیات نفت را بآن مقدار نفتی که در داخله منکلت مصرف میشود ممکن است همانطور نفت سیاه را باز کنند و بپرند در جای دیگر تصفیه کنند و این بصرف ما نیست

این است که جمله که در سفر اول دارد (هر مقدار که در ایران تصفیه و تهیه نماید) این جمله را گفتیم حذف شود

ما یک ماده الحاقی پیش نهاد میکنم که باید تمام عملیات نفتی در خود ایران باشد

مخبر - اینکه بنده از آقای حائری زاده توضیح خواستم قصدم اعتراض نبود خواستم ببینم عملیات نفتی غیر از تصفیه چه چیز است باید مطلب را تفهید و جواب داد و بالاخره از توضیحی که دادند بنده این طور فهمیدم که مقصودشان همان تصفیه است چیز دیگری نیست گفتند چرا قید التزام محدود شده است بخواجج داخلی ایران که چرا نفت سیاه مستخرجه از

معدن ایران تماماً در ایران تصفیه نمیشود و بعد نفت تصفیه شده از اینجا حمل برای فروش بشود و البته از برای این نظریه خودشان یک محاسنی ذکر میفرمایند که آن محاسن هم اگر ممکن بود خیلی خوب بود اما می خواهم ببینم این مسئله علی است یا نه این را باید در نظر داشت که معامله همیشه دو طرف دارد و هر دو طرف باید بین این دو صوره یک حد اعتدالی حاصل میشود و آن اندازه حد اعتدالی که پیدا شد آن باید معین شود بدین اینکه طرفین بهمینگر یک اجحافاتی بکنند این که ما اینجا با کمیانی گذاریم از برای پیدا کردن این حد اعتدال بود کمیانی نفت جنوب که حالا می مثل میزنیم در امتیاز نامه اش که آقای حائری زاده در آن خیلی مطالعه کرده اند آیا بیچ جای این امتیاز همچو قیستی را ملاحظه فرموده اید که ولو ده من هم نفت تصفیه نشده را اگر بخواهد اینجا تصفیه کند مجبور ملزم باشد؟ ابتدا همچو قیستی را ندارد حالا ما خواستیم این قید را در این امتیاز نامه بکنیم و کمیانی را مجبور کنیم که در این جا آن میزانی که طرف احتیاج ما هست از نفت و بزرگ و سایر مواد نفتی در همین جا تصفیه کند تا آن مقدار نفت تصفیه شده که کارخانجات و دواتر صنعتی ما و افراد منکلت ما از برای احتیاجات شخص و عمومیشان می خواهند در همین منکلت تصفیه شده باشد چرا

بدو دلیل یکی اینکه این احتیاجات بنظر ما خیلی زیاد است که برای تصفیه کردن آن یک مقدار از نظریه شما که کار کردن مردم این منکلت است تأمین می شود ثانیاً گفتیم که اگر این مقدار نفت در خارج تصفیه نمایند البته برای کمیانی گران تمام خواهد شد و گران هم می فروشد ولی وقتی که اینجا تصفیه کرد البته ارزان تر خواهد فروخت حالا از شما انصاف می خواهم کفایتی که می خواهد آن مقدار نفتی که زیادتر از احتیاجات ما است ببرد و تجارت بکنند در صورتی که شما یعنی دولت و ملت ایران بواسطه شرکت در صدی سی اسامی که تقریباً یک شش است شریک هستند

نباید ما بیل یا خریدار آن تجارتی که می کنید نفع کنید ضرر نکنید حالا از شما انصاف می خواهم اگر کمیانی قلم در دست بگیرد و حساب بکنند و بگویند که اگر من این نفت و از ایران تصفیه کنم نمیتوانم با کمیانی نفت جنوب که لایحه حیث آزاد است رقابت کنم

آیا انصافاً میشود او را مقید به این قید بکنیم که تو این کار را نکن البته او هم زیر بار نمی رود گذشته از این ما هم شریک در نفع او هستیم اگر او صاف ببرد و نفت را از این جا بار کند و ببرد به آمریکا و در آنجا تصفیه کند و به بازار دنیا ببرد و یک شش از

دوره پنجم

حاصل کند البته از آن فوائد حقیقی بنام هست هم شریک هستیم و هم بایستی منافع دولت را ببیند

این راهم توضیح میدهم که بازار دنیا باد کوبه تنها نیست بازار دنیا یعنی پاریس لندن بران آمریکا ایتالیا همه اینها ملزومی هم رفته بازار دنیا هستند و ما نمیتوانیم بگوئیم توی اینجا تصفیه کن از برای اینکه صد نفر عهده این جا کار کند تصفیه بفرمائید که این ضررش برای ما بیشتر است چون صدی بیست از عایدات مال دولت است و صدی سی مال ملت است و ما بایستی بگذاریم که کمیانی ضرر میکنند در مقابل یک رقیب بزرگی که در جنوب از برای دست کرده ایم و اما این قیودات را هم ندارد صد شازدهم میبدهد صدی سی هم اسهام نمیدهد نقش راهم مجبور نیست در این جا بفروشد هر جا دلش میخواهد می فروشد شایک همچو رقب عظیم البته قاهری برای او درست گردید آن وقت این کمیانی را این طور مقید میکنند و یکی در تحت یک ذخیره های دستش را می بندند و میدهند بدست یهلوان این طور که نمیشود

(جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است)

رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد خود آقایان حائری زاده و وزعیم آقایانیکه این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

عده قلیبی قیام نمودند

رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای حاج میرزا مالک الوهاب بطوری که ذیل مندرج است قرائت شد

بنده پیشنهاد میکنم علاوه بر تمام مخارج مرقومه در ماده دوازده کمیانی که یک ده یک بیشتر نگردد

از باب توضیح و منافع غیره

رئیس - گویا این روشنه باشد برای اینکه بموجب پیشنهادهای سابقه که در اینهم رد شده است

پیشنهاد آقای امیر احتشام (بشرح ذیل قرائت شد)

برای اجتناب از اطباب و اختلافات حاصله از مشمول این ماده بنده پیشنهاد می نمایم از بعد از بنده الهالایه (امانه) برای صدور از ایران) به جای عایدات بعد از آن و قسمت های الف بده فقط قسمت دو اصلاح جاری ذیل نوشته شود به این ترتیب

۲ - قیمتی که صاحب امتیاز برای مواد راجعه به مصرف داخله ایران معین میکند از قیمتی که صاحب امتیاز در خارج تاریخ مواد مزبوره حاصله از این امتیاز را در بازار دنیا می فروشد بایستی صدی پنج ارزان تر باشد ولی هر گاه مالیات و مخارج در ایران مأخوذ شود بر قیمت فروش در خارج علاوه خواهد شد بر همین جهت مخارج یک در خارج از ایران تا معادل مخارج مواد مزبوره

تعلق میگیرد موضوع خواهد شد .
 رئیس - آفات توضیح بدهید .
 امیر احتشام - برای اینکه اشکالی در معاصبه پیدا نشود و بعد از اینکه نفت استخراج شده صدی پنج گمراهی است که در بازار دنیا فروخته میشود در داخل ایران فروخته شود و مغایر آنکه در ایران بر آن تعلق می گیرد بر قیمت آن افزوده شود این طور پیشنهاد کردم و این ترتیب برای تقش و کنترل خیلی خوبست حالا اگر صد پنج را کم میدانند ممکن است صدهفت باشد و اگر زیاد میدانند ممکن است صدهست بکنند.
 مغیر - این اظهاری را که آقای امیر احتشام فرمودند در بابی نظر خوب تلقی می شود ولی تصور میکنم که اگر در آن دقیق شوم می بینم به صرفه ما نیست و ضررش بیشتر از منفعتش است و در کمیسیون هم یک چنین نظری بود ولی برای احتراز از یک چیزهای پیچیده و مبهمی که بواسطه نداشتن متضمن نیست در دست فحید این بود که به ترتیبی که در ماده ملاحظه میفرمائید نوشته حالا اگر یک مدارک و دلایل صحیحی دارید ممکن است بفرمائید .
 رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقای امیر احتشام آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای رئیس التجرار .
 بنده پیشنهاد میکنم به اول ماده ۱۲ بعد از کازولین علاوه شود و قریباً و سایر مواد هیدروکاربور متجانس نفت .
 مغیر - دوباره این پیشنهاد را قرائت بفرمائید .
 (مجدداً شرح فوق قرائت شد)
 مغیر - این علاوه را می پذیرم .
 مدرس - باید از جنس نفت نوشته شود .
 چون جنس و متجانس فرق دارد .
 رئیس - (خطاب به مغیر) این پیشنهاد فقط راجع به متجانس و هم چنین نیست چیزهایی دیگر را هم دارد .
 رئیس التجرار - اجازه فرمایند بنده توضیح بدهم .
 مقصود بنده این بود همان طوریکه در ماده اول نوشته شده است در این ماده هم بعد از کازولین نوشته شود و تصور میکنم از طرف کمیسیون کسی مخالف باشد و نظر کمیسیون هم همین بوده است ولی در این ماده نوشته شده سایر مواد نفتی به این جهت بنده پیشنهاد کردم که آن عبارت در این ماده بعد از کازولین و مازوت و نفت تصفیه نشده و سایر مواد مستخرجه از نفت .
 رئیس - پیشنهاد آقای دامغانی .
 بنده پیشنهاد میکنم که در قیمت نفت تصفیه شده نوشته شود قیمت نفت تصفیه نشده عبارت است از مزد عملیات و اجزاء و معارج سوخت و ... و تا آخر الف .
 رئیس - توضیح بدهید .

شریعتمدار دامغانی - عرض میکنم در تمام مواد امتیاز نامه وقتی رجوع کنیم می بینیم که هر جا برله کمیانی است تمام رعایت احتیاط شده است و تکرار هم شده است چنانچه آقای مغیر در دو جلسه قبل فرمودند که تکرار در فرانس هم مستحسن است اما هر جا برله است چون در ادبیات مانکر ارفردی مستحسن است اما ساسک شده است به این جهت بنده عرض میکنم همان طور که در زبان فرانسه تکرار را مستحسن میدانند در نوشته چنانچه برله است انجام هم تکرار بشود و چون آقای مغیر قیمت نفت تصفیه نشده را فقط تعلق داده بنزد عملیات و معارج سوخت و غیره بنابر این دیگر لفظ من جمله لزومی ندارد و به عقیده بنده باید ساقط شود نوشته شود (قیمت نفت تصفیه نشده عبارت است از مزد عملیات و اجزاء و معارج سوخت و غیره الی آخر ماده)
 پس لفظ من جمله لازم نیست حالا اگر بزرگ چیزهایی است که جزو قیمت نفت تصفیه نشده است و در این جا ذکر نشده است خوب است آقای مغیر توضیح بدهند که غیر از این معارج معارج دیگری هم هست والا لفظ من جمله ساقط شود .
 مغیر - در مرحله اول عرض کردم و یک تذکری داده شد که ماده محدود به این مسائل مذکور نیست اما اینکه فرمودند امثال دیگری را ذکر کنیم بنده نمیتوانم ذکر کنم که چه چیزهایی دیگری هست ولی خواستند طرفین محدود نکنند چون ممکن است این جای یک چیزهایی دیگری هم پیش بیاید حالا اگر کلمه دیگری نظر آقایان باشد ممکن است بفرمایند شاید بنده هم قبول بکنم .
 شریعتمدار دامغانی - من چون میدانم رد میشود پس میگیرم .
 رئیس - آقای آقامیرزا جواد خان هم در همین زمینه پیشنهاد کرده اند .
 مشار اعظم - بنده هم در همین زمینه پیشنهاد کرده ام .
 پیشنهاد کرده ام .
 رئیس - ده فقره پیشنهاد دیگر است .
 مغیر - بنده می خواهم توضیحی راجع به این اصلاحیه که آقای رئیس التجرار پیشنهاد کرده بودند عرض کنم با تذکری که به ایشان دادم و آن اصلاح را قبول کردم ولی محل آن اصلاح را باید تغییر داد در قسمت ثانی این ماده در آن قسمتی که منور شد (دولت وسکنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصفیه یا در معز نهائی صاحب امتیاز تأسیس کنند نفت تصفیه شده گروین بنزین کازولین و مازوت و نفت تصفیه نشده و سایر مواد مستخرجه از نفت .
 به این جهت این یک اصلاح عبارتی بود که بنده پیشنهاد کردم .
 حالا اگر قبول می کنند و الا بنده مسترد میدارم .
 مغیر - اجازه میفرمائید با فرانسه یک تطبیقی بکنم .

تصفیه و این مواد هیچکدام قیر و مازوت جزء آنها نیست و ذکرش باید در قسمت ثانی شود و در این جا فقط مواد قابل تصفیه ذکر میشود .
 رئیس - پیشنهاد آقای میرزا جواد خان .
 اینطور قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم که عبارت (در قیمت نفت تصفیه نشده من جمله باید معارج ذیل منظور شود) به عبارت ذیل تبدیل شود .
 (قیمت نفت تصفیه نشده عبارت از معارج ذیل خواهد بود)
 رئیس - آقای آقامیرزا جواد خان اجازه .
 آقا میرزا جواد خان - چون آقای مغیر در ضمن جوابهایی که با آقای اشگر دادند در این موضوع فرمودند که قیمت نفت در قسمت دوم الف تصفیه شده و در آنجا یک کلمه من جمله نوشته شده است که خیلی چیزها را متضمن خواهد بود .
 بنابر این بنده پیشنهاد میکنم که این کلمه از اینجا برداشته شود و بجای آن نوشته شود : عبارت از معارج ذیل خواهد بود .
 مغیر - گویا در حد .
 رئیس - آن یکی را آقای شریعتمدار دامغانی پس گرفتند .
 مغیر - پس این را موکول برای مجلس میکنم .
 رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن آن آقایانی که این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 همه قلیلی قیام نمودند .
 آقای مشار اعظم .
 به تصفیه ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم نوشته شود معارجی که در قیمت نفت تصفیه نشده منظور میشود از این قبیل خواهد بود .
 رئیس - آقای مشار اعظم اجازه .
 مشار اعظم - چون خود آقای مغیر بنا تذکر دادند که ممکن است در این قسمت پیشنهادی شود به این جهت بنده این پیش نهاد را کردم . آقای مغیر توجه فرمودید ؟
 مغیر - مجدداً خوانده شود .
 قرائت شد مشار اعظم - چون کلمه من جمله را خودشان متذکر شده بودند که ممکن است تغییر داد .
 به این جهت این یک اصلاح عبارتی بود که بنده پیشنهاد کردم .
 مسترد میدارم .
 مغیر - اجازه میفرمائید با فرانسه یک تطبیقی بکنم .
 رئیس - رای میگیریم به قابل توجه

رئیس - چون یازده فقره اصلاح دیگر هم هست چند دقیقه نفس میشود .
 در این موقع جلسه برای نفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید .
 رئیس پیشنهاد دیگری از آقای آفاشیخ هادی شیخ الرئیس شده است قرائت میشود هر کدام مناسب بود رای گرفته میشود .
 شرح ذیل قرائت شد بنده پیشنهاد میکنم کلمه من جمله حذف شود و این طور اصلاح شود .
 در قیمت نفت تصفیه نشده باید معارج ذیل هم منظور شود .
 مغیر - برای استحضار خاطر آقایان عرض میکنم که آقای مشار اعظم هم یک پیشنهادی در این زمینه داده بودند و در موقع نفس در کمیسیون خیلی وقت کردیم و این پیشنهاد را با فرانسه آن تطبیق کردیم و دیدیم من جمله که در خود قانون نوشته است تمام این عبارات بهتر است و مقصود را بهتر میرساند .
 به این جهت گمان میکنم آقایان بهمان من جمله که نوشته شده قناعت کنند بهتر است .
 آقا شیخ هادی شیخ الرئیس - پس میگیرم .
 رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی قرائت میشود .
 شرح ذیل خوانده شد بنده اصلاحات ذیل را پیشنهاد میکنم :
 اولاً جمله بین الهالین امانه برای صدور از ایران حذف شود .
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - این ترتیب به عقیده بنده به کلی تجارت نفت ایرانی را با خارج منع می کند برای اینکه در بین الهالین این عبارت نوشته شده اما نه برای صدور از ایران این عبارت بکلی مانع از تجارت میشود زیرا ممکن است بنده بک سفارتی نفت از کمیانی نفت جنوب بفرم نفت هم که هلاکت ندارد که معلوم شود از این کمیانی است یا از کمیانی نفت شمال خریدم و بفروهم به خارج حمل کنم به موجب این عبارت که در بین الهالین نوشته شده نمیتوانم به این جهت این است که بنده معتقدم که این جمله حذف شود .
 مغیر - حذف این جمله را بنده نمیتوانم قبول کنم علت آن هم خیلی واضح است برای اینکه این قیمتی که معین شده است قیمت نفتی است که برای رفع حوائج داخلی ایران است نه برای تجارت باید همیشه از روی قیمت بازار خریدم و نی شود تصدیق کرد که این نفت را اینجا به این قیمت بخرند و از خارج ارز آن تر بفروشند و یا خود کمیانی رقابت کنند .
 برای تجارت هم میتوانند نفت از کمیانی بخرند امانه به قیمتی که برای رفع حوائج داخلی معین شده .
 رئیس - رای میگیریم به قابل توجه

بودن این قسمت آفا اینکه این قسمت را قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
 (همه قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد . قسمت دوم قرائت میشود .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 تازیباً در سطر سیزده بجای (بارعایت نکات ذیل) نوشته شود (از قرار تفصیل ذیل) .
 شیروانی - بفرمائید قسمت ثالث را هم قرائت کنند .
 (اینطور قرائت شد)
 ثالثاً در سطر ۱۵ بعد از (قیمت نفت تصفیه نشده) اضافه (شود عبارت از)
 رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - آقای مغیر و آقای تدین اینطور توضیح دادند که نفت وقتی که در زیر زمین است قیمت ندارد و وقتی که حفری میشود معارج حفر و تصفیه تمام اینها ضمیمه می شود و از روی آن قیمت را معین میکنند آنوقت این عبارت (بارعایت نکات ذیل) آن را تأمین نمیکند .
 مثلاً در خارج اینطور مشهور است که وقتی این کمیانی عملش گذشت سرمایه در این ملک زیاد میشود و کار و خفیل برای هم پیدا میشود .
 در صورتیکه تصفیه نفت از ملک ما خارج نشود چون ۲ قسم سرمایه هست که ما خیال کردیم بایران جلب کنیم یکی استخراج و بیرون آوردن نفت و لوله کشیدن است .
 شیروانی - اینطور که بنده پیشنهاد کرده ام یک قیمت بیشتر پیدا نمیکند .
 مغیر - نفت تصفیه نشده یک معارجی بر آن تعلق میگیرد تا استخراج شود این مرحله اول است و یک معارجی هم بر این نفت تصفیه نشده تعلق میگیرد تا اینکه بکارخانه برود این مرحله ثانی و یک معارجی هم برای تصفیه آن تعلق میگیرد این مرحله ثالث و یک معارجی هم برای فروش در ایران آن تعلق میگیرد اینها یک معارجی است که در ضمن حمل و در ضمن تقش و صنعت سفش معین میشود اینها معارج مراحل تصفیه است که ذکر شده و ذکرش هم برای بر آن اضافه کنند که نظایر آن در اینجا ذکر نشده باشد ما قبول نخواهیم کرد زیرا آنچه که ذکر شده است از برای محدود کردن این معارج است پس اگر ما این صلاحی را که ایشان پیشنهاد کردند قبول کنیم نه اینست که چون در اینجا قیمت است مایک قیمت منظور میکنیم بلکه بکلی مقصود از این میروند .
 شیروانی - پس میگیرم .
 رئیس - پیشنهاد آقای حائری زاده و زعمیم .
 (شرح ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم که ماده ۱۲ عبارت ذیل

اصلاح شود .
 صاحب امتیاز مکلف است که کلیه عملیات نفتی را اعم از تصفیه و غیره در ایران انجام نماید ولی برای اینکه بسکنه ایران نفت (گروین) و بنزین (کازولین) و سایر مواد نفتی که برای احتیاج آنها لازم است بقیمت معتدلی فروخته شود صاحب امتیاز بشروط ذیل عمل خواهد کرد .
 رئیس - یکی از آقایان توضیح بدهند .
 زعمیم - در دقه اول ما یک پیشنهادی کردیم یک قسمت از این مطالب را که در این پیشنهاد نشانوی نوشته ایم شامل بود .
 ولی چون مطالب اساسی است باین جهت بترتیبی که ملاحظه فرمودید توضیح و روشن تر مجدداً پیشنهاد شد و مخصوصاً بیاناتی که آقای مغیر فرمودند بیشتر بنده را وادار کرد که این پیشنهاد بشود برای اینکه فرمایشات و بیانات ایشان بکلی نافذ و مخالف با چیزی است که در خارج مشهور است .
 مثلاً در خارج اینطور مشهور است که وقتی این کمیانی عملش گذشت سرمایه در این ملک زیاد میشود و کار و خفیل برای هم پیدا میشود .
 در صورتیکه تصفیه نفت از ملک ما خارج نشود چون ۲ قسم سرمایه هست که ما خیال کردیم بایران جلب کنیم یکی استخراج و بیرون آوردن نفت و لوله کشیدن است .
 یکی هم معارج تصفیه است که صنعت آن است .
 آقای مغیر متمسک شدند باینکه معامله باید مرض الطرفین باشد بنده هم همان دلیل عرض میکنم که خوب است تصفیه نفت از هر جهت در داخل ایران باشد چرا ؟
 برای اینکه نظر اصلی ما از دادن این امتیاز این بود که جلب سرمایه خارجی شده باشد و آبادی بی کار مشغول بکار شوند .
 آقای مغیر میفرمایند برای کمیانی من نمی فهمم چه طور صرف نمیکند در ملک ما چرا را بدست مییافتند باین حال از پارچه های اروپائی ارز آن تر است بنابر این معارج تصفیه هم باین آبادی بی کاری که ما این جا داریم و با ارز آن بودن مزد عملی چه طور برای کمیانی صرف نمیکند .
 رئیس - باید مختصر بفرمائید زعمیم - اطاعت میکنم چون آقای رئیس ماده نود و هفت را تذکر دادند پیش از این چیزی عرض نمیکند و تصور نمی کنم برای کمیانی هم مضر باشد ولی برای ما کاملاً مفید است و اگر بنا باشد تصفیه نفت در خارج

از ایران بشود آن نظر اصلی ما که جلب سرمایه خارجی باشد تأمین نمی شود در کمیانی نفت جنوب هم باینکه آن ایام وقت های امروزی را در نظر گرفته این مسئله منظور شده که عملیات نفت بدست کارگران و عملیات ایرانی انجام بدهند سواست متحصصین که ناچار بوده اند از خارج بیاورند .
 مغیر - بنده توضیحات کافی و مفصلی راجع به این موضوع دادم و تکرار آن ها را هم زائد میدانم فقط به آقای نماینده محترم تذکر می دهم که مغیر کمیسیون و مجلس مسئول تبلیغات خارج نیست بلکه مسئول این هستند یک مطلبی که تحت نظر آن ها گذاشته می شود از روی صحت و مطابق با صرفه منسلک حل شود بنده داخل تقش با تعریف تبلیغات خارج نی شوم اما اینکه فرمودند صرفه دارد خودتان تصدیق میفرمائید برای تاجر هر کار صرفه داشته باشد همان کار را میکند اگر صرفه داشته باشد تمام تصفیه نفتش را اینجا میکشد و اگر صرفه نداشت نمیکند .
 ما آمده ایم و در اینجا قید کردیم مقدار نفتی که برای مصرف داخل ایران لازم است باید در همین جا تصفیه کند حالا اگر صرفه داشت ما بقر را هم در این جا تصفیه خواهد کرد .
 رئیس - رای میگیریم به قابل توجه بودن اصلاح آقایان حائری زاده و زعمیم آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (همه قلیلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس (باین ترتیب خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم کلمه مجموع اضافه شود (در مجموع قطعات چهار گانه)
 رئیس شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)
 شیخ الرئیس - اینجا در این ماده نوشته شده است مشروط بر اینکه در قطعات چهار گانه مواد نفتی بقدر کفایت یافت شود بقیه بنده ممکن است تغییر شود به یک از قطعات باین جهت بنده این پیشنهاد را کردم و اگر مجموع قطعات چهار گانه نوشته شود بهتر است دیگر اینکه می خواهم بآقای مغیر تذکر بدهم که گاهی میفرمایند کمیانی قبول نمیکند سابقاً چهار ابالت را میگفتند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد یا مثل صد شانزده که میفرمودند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد و صدیست شده بنده گمان میکنم که این قسمت را هم کمیانی قبول کند و هیچ اشکالی ندارد و آقایانی که در اینجا تشریف دارند بعضی هاهم در دوره سابق بوده اند و میدانند که خیلی مطالب بود که میگفتند کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول کرد ولی چون میدانم قبول میکنند این پیشنهاد را کردم اگر آقای مغیر قبول نمیکند پس میگیرم

رئیس - خارج از موضوع است همین پس چرا پیشنهاد کردید مغیر بنده این پیشنهاد حضرت والا را قبول میکنم ولی فرمایشات دیگرشان را نمی پذیرم و اعتراض میکنم برای اینکه اگر چه آقای رئیس فرمودند خارج از موضوع است ولی یک خارج از موضوعی است که اگر در این محیط بدی که مادر آن هستیم اظهار نکنیم ممکن است که یک زحمانی نه از نقطه نظر شخصی بلکه از نقطه نظر این کاری که ما می خواهم انجام برسانیم وارد شود .
 اما اینکه میفرمایند که خیلی چیزها بود که کمیانی قبول نمیکند و بالاخره قبول نکرد بنده بنام کمیسیون و مغیر کمیسیون متعهد هستم که مدافعه کنم از منافع دولت ایران نه منافع کمیانی و اینکه گفته میشود که بنده از نظر و همی که به منافع کمیانی است مدافعه میکنم و گامه گرمتر از آتش هست اینطور نیست و برای اینکه با آقایان ثابت شود که اینطور نیست و چون ده یازده ماده دیگر هم مانده است بعد از آنکه از جلسه خارج شدیم تقاضا میکنم که یک جلسه منعقد بشود و از برای حفظ حیثیات و شرافت خود و اوضاع کمیسیون و مجلس به بنده اجازه بدهند که بعد از این هر اعتراضی که میشود راجع کمیسیون آن را بپذیرم بعد با نماینده کمیانی مذاکره کنیم که دیگر آقایان فرمایند چون ترفند و با نماینده کمیانی مذاکره نکردند باین جهت قبول نکردند و اگر میرفتند و با کمیانی مذاکره میکردند ممکن بود قبول بکنند بنابر این از نقطه نظر حفظ حیثیات و شرافت شخصی و از نقطه نظر حفظ حیثیات مجلس بنده این تقاضا را از کمیسیون خواهم کرد .
 رئیس - رای میگیریم به پیشنهاد شاهزاده شیخ الرئیس .
 مغیر - بنده قبول کردم .
 رئیس - پیشنهاد آقای اشگر (شرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم بعد از عبارت توسط صاحب امتیاز (سطر ۲) نوشته شود با اطلاع دولت ایران .
 رئیس - (خطاب به اشگر) توضیح بدهید اشگر سابقاً عرض کردم که در این ماده حساب موافق این ترتیبی که نوشته شده است توسط صاحب امتیاز باید تعیین شود صلاح نیست آقای مغیر فرمودند که در تبصره ذکر شده است که دولت حق تقش دارد بنده مقصودم از این عبارت این است که حساب توسط صاحب امتیاز با اطلاع دولت ایران باشد که هر موقعی که می خواهند تقش بکنند الزامی باشد با اطلاع نماینده دولت و صاحب امتیاز قیامت را معین نمایند که اجابت و تعدی نشود

رئیس رای میگیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای اخگر آقابانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (دوم نفری قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای مدبرالذک (به تفصیل ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۲ به عوض قیمت معتدل این جمله نوشته شود که قیمت نفت در ایران باید در حدش اقل کمتر از قیمت بازار دنیا فروخته شود. رئیس نظیر این پیشنهاد رد شد گمان اینست این هم رد شود. مدبرالذک بنده فقط مقصود از این پیشنهاد این است که رعایت حال ایرانی ها شده باشد زیرا در اینجا قدری مغایر و اشکال تراشیده شده است که کمیسیون معتقد و متشبث شده است باینکه بیشتر از قیمت بازار دنیا نباشد. بالاخره می فهماند که آن مغایر جزئی که در تعقیب این ماده است قدری زیاد میشد است که مجبور کرده است کمیسیون را بیک کلمه پس در این صورت وقتی که قسمت الف ماده ۱۲ را قلم می کنند بهتر این است که مایک چیزی را قائل بشویم که یک منفعتی برای ایرانی داشته باشد و اقل حدش صد چهارصد دو کمتر از قیمت سایر جاها به ایرانی بفروشد. رئیس رای میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند) رئیس قابل توجه نشد. هشت فقره اصلاح هم از طرف آقای کی استوان رسیده ولی ایشان غائبند و گمان می کنم شخص غائب نتواند اصلاحی پیشنهاد کند. (جمعی از نمایندگان - صحیح است) رئیس سرزای می گیریم بماده ۱۲ با اصلاحاتی که شده است یعنی در سطر سوم لفظ مجموع قبل از قطعات چهار گانه اضافه میشود و در سطر پانزده لفظ و غیره زده میشود. پیشنهاد آقای رئیس التجار هم که قبول شده است گویا در سطر هشتم بعد از لفظ از و نفت تصقیه نشده باید اضافه شود این قسمت قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد) دولت وسکنه ایران حق خواهند داشت که در کارخانه تصقیه یا دو مخزن هائی که صاحب امتیاز تاسیس کند نفت تصقیه شده (کروزی) بنزین (کلوزین و مازوت) و نفت تصقیه شده سایر مواد هیدرو کار بور متجانسی نفت در صورتیکه در قطعات چهار گانه بقدر کفایت که برای مصرف داخله لازم باشد یافت شود (امانه برای صدور از ایران) رئیس - مقصود همین بود (صحیح

است) رای گرفته میشود بماده ۱۲ با این سه فقره اصلاح. آقایانیکه ماده ۱۲ را تصویب می کنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد. اگر اجازه میفرمایید جلسه را ختم کنیم. (نمایندگان صحیح است) جلسه آتیه روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور هم لایحه نفت است بایشهاد آقای مصدولی میرزا سنی لایحه یک دو از دم دولت راجع بحقوق برج سرطان آقای دامغانی. (اجازه) دامغانی - منتهای است که سؤالات از آقایان وزراء مخصوصاً از آقای وزیر مالیه شده استند می کنم مقرر فرمایند آقای وزیر مالیه تشریف بیارند و جواب سؤالات را بدهند. رئیس تذکر داده میشود. آقای دولت آبادی (اجازه) حاج میرزا یحیی دولت آبادی - اگر ممکن است برای جلسه آتیه راجع بشیخ صادق مفلوج مذاکره بشود. رئیس آن هم جزو دستور گذاشته میشود. آقای محمدولی میرزا (اجازه) محمدولی میرزا عرض بنده همان بود که فرمودید. رئیس آقای مدبرالذک (اجازه) مدبرالذک بنده خواستم عرض کنم که آن نسخه را بفرمایید زودتر طبع کنند. زیرا که حقیقتاً اساس لایحه همان نسخه فرانسه است. رئیس - مشغول طبع هستند. پیشنهاد آقای نظام التولیه قرائت می شود. (بشرح آتی قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم برای اینکه امتیاز نفت زودتر بگذرد جلسات در هفته پنج روز تشکیل شود. (جمعی از نمایندگان - رد شده است) رئیس - عده کافی نیست والا رای گرفته میشود. (مجلس يك ساعت بعد از ظهر ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی مؤمن الملك منشی معظم السلطان - شهاب

جلسه ۴۴
صورت مشروح مجلس
یوم سه شنبه هفتم اسد
۱۳۰۴ مطابق بیست و ششم شهری حجه سنه ۱۳۴۴
مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم یکشنبه ۵ اسد را آقای آقامیرزا شهاب - الهین قرائت نمود) رئیس - آقای سردار منتصر (اجازه) سردار منتصر - بنده دو ساعت کتباً اجازه خواسته بودم و مراجعه غائبین بمن اجازه نوشته اند. رئیس - کمیسیون اجازه داده است یاخبر؟ سردار منتصر - اجازه نامه را حضور مبارک فرستاده بودم آقای سید یحیی - مطابق همان تصمیم کمیسیون بود سابقاً در مجلس بحث شده است که تا یک تصمیم جدیدی اتخاذ نشود کمیسیون نمیتواند اجازه بدهد چون قبل از جلسه بوده است و ضمناً میخواستیم عرض کنم دو فقره راپورت مرخصی است که آقایان مریش میباشند و اجازه مرخصی خواسته اند کمیسیون هم اجازه داده و راپورتش را تقدیم نموده است خوب است قبل از دخول در دستور رای گرفته شود. رئیس - آقای مدرس اجازه خواسته اند مطلبی را اظهار کنند. مدرس - مطلبی را که میخواهم عرض آقایان پسرانم این است در حقیقت از روز انعقاد مجلس شورای ملی هر روز یا هر هفته یا هر ماه (مبالغه نشود) يك وضیعت و يك رنگهای مختلفی برای ماها اتفاق افتاده که در حقیقت حالا خوب بودی بد در نتیجه اش يك زحمت هائی هم برای دولت هم برای مجلس هم برای مردم تولید شد که نتوانستیم درست آن خدمتی که در این چند ماه بایستی کرده باشیم بقیه من آن خدمت را بخوبی انجام داده باشم حالا این رنگها منشأش چه بوده صلاح بود؟ فساد بود؟ خوب بود؟ بد بود؟ داخل در آن مذاکرات نمی شویم همیشه در رنگهای عجیب و غریب بی سابقه بود که ما فکرش را نمیکردیم بودیم تا رنگ اخیر که مسئله حکومت نظامی بود و مسئله حکومت نظامی را بقیه من قانون شامل نمیشد یا باید از مجلس اجازه گرفت یا صلاح نبود هر چه بود با این صدماتی که بر مردم وارد می آید که مشهود تمام مردم و تمام دنیا هست خوب نیست یا آنکه صلاح نیست ماها مخالف بودیم و مخالف هم هستیم و بعضی رفتارچون میل نمائند این مسئله در مجلس مذاکره شود که بنده هیچکی از آنها بودم خواستیم در خارج مجلس يك کمیسیونی از

عقلا این مسئله را حل فرمایند در کمیسیون هم آقایان مشیر الموله و مستوفی الممالک و سایر وجوه تشریف داشتند که نتوانستیم این مسئله زیاد در مجلس مذاکره شود بلکه در خارج مجلس در آن کمیسیون حل شود. اگر چه بنده خودم عضو کمیسیون نبودم که کاملاً مذاکرات آن را بفهم ولی کیف کان مقصود ما این بود که بلکه این مسئله در خارج مجلس حل شود و در مجلس خلاف نرأ کتی صحبت نشود. متأسفانه این هم نشد و بالاخره منتهی باین شد که بعضی آقایان رفتار مجبور شدند بجهت بیان وضیعت که ناگوار بود در مجلس صحبتی بدارند. آقای ملک الشراعه صحبت نمودند آقای حایری زاده اظهاراتی فرمودند. البته حفظ شئون و مراتب مجلس بر هر چیزی مقدم است. آقای رئیس هم بمقتضای وظیفه خودشان که موجب تشکرات البته باید حفظ نظام و حفظ نظامنامه را بکنند که وضیعت مجلس محفوظ باشد. لهذا اگر بنا شود سه روزه بنده یا یکی از آقایان بخواهم از ناگوار و وضیعت و عملیاتی که میشود رفتار هائی که میشود که بنده عقیده ام این است در حدود سه سال چهار صد سال استبداد هم سابقه نداشته است و اگر بود در تاریخ هم خوانده میشد که فلان بیخه هفت ساله را حبس کنند یا فلان زن را کتک بزنند و بنیاست همه روزه در مجلس که ایهت و جلالتش لازم است و باید وضیعتش خیلی وضیعت نیکو باشد و بعضی اوقات هم ملاحظه میشود که آقای رئیس مجاهدت فوق العاده میفرمایند که این مسئله محفوظ مانده و عقیده من هم باینده محفوظ بماند ما هم عقیده نداریم که هر روز يك زکری بشود که سه بیانی باشد گمان می کنم سایر آقایان هم هم مایل باشند. ومن من تقدیس میکنم که این بیویانی که چند روز قبل شد گانه همه آقایان میل داشتند این بیویان بشود حتی من سکه ملتفت نشدم که امیک از آقایان بودند گویا شاهزاده سلیمان میرزا بودند که فرمودند چرا این بیانات میشود استیضاح کنید و ما را دعوت باستیضاح فرمودند از آنجائیکه نمی شود سکوت کرد از این وضیعت از آن طرف هم باید ایهت و جلالت و نزاکت در مجلس شورای ملی محفوظ باشد بنده عرض میکنم وضیعت ناگوار است سکوت هم نمی شود کرد. لذا اجابت کردیم دعوت دعوت کننده را و این ورقه استیضاح را تقدیم میدارم نجات. استیضاح هیچوقت سابقه نداشته که باز گرفته باشد مدرس - این کلمه را هم از من میفرماید عرض کنم فقط استیضاح من از جهت بودن سردار سنی

است در رأی سیاست والا از حیث وزارت جنگی ایشان اگر ترتیبی بشود که وزیر جنگ باشند بنده هم طرفدار ایشان میباشم و همیشه هم طرفدار بودم و خواهم بود (استیضاح نامه بشرح ذیل قرائت شد) بسم الله الرحمن الرحيم مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی اینجانبان راجع بپیاده ذیل از آقای رئیس الوزراء استیضاح مینمائیم ۱- سوه سیاست نسبت بداخله و خارجه ۲- قیام واقفان بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهمین بمجلس شورای ملی ۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره بخرانه دولت حایری زاده - هراتی - کازرونی مدرس - اخگر - ملک الشراعه - سید حسن زحیم - رئیس - بموجب ماده ۴۴ نظامنامه باید بمولک اطلاع داده شود تشریف بیارند اینجا تا روز استیضاح معین شود. آقای سلیمان میرزا - اینکه آقای مدرس فرمودند بنده این دعوت را کرده ام خواستم مختصراً توضیح بدهم که ایشان آنروز در ضمن حرارت فرمودند دولت اکثریت ندارد بنده هم عرض کردم نظامنامه داخلی تکلیف اینکار را معین کرده آقایان مخالفین دولت وقتیکه بقیه دارند دولت اکثریت ندارد نمیتواند استیضاح بکنند در حقیقت بکامده نظامنامه داخلی را برای ایشان خوانتم رئیس - وارد دستور میشویم. راپورت کمیسیون بودجه راجع با فاشیخ - صادق حیلوج مطرح است مهالفی ندارد که قرائت شود (گفته شد غیر) (بشرح ذیل قرائت شد) کمیسیون بودجه لایحه نمره (۱۳۲۸۱) دولت را در جلسه ۲۴ سرطان مورد بحث و مذاقه قرارداد و ماده واحد ذیل راجع تصویب تقدیم مجلس شورای ملی میباشد. اول جمله هذه السنه سیچان تیل ۱۳۰۴ مادام العیوه برچی پنجاه تومان بنون شهریه در جزو صورت کل شهریه بگیرها باسم آقای آقا شیخ صادق مفیدی منظور داشته و پرداخت نماید. مغیر کمیسیون عماد السلطنه رئیس - آقای ضیاء الواعظین (اجازه) ضیاء الواعظین - بنده اجازه نخواستم بودم. رئیس - آقای معتمد السلطنه (اجازه) معتمد السلطنه - بنده موافقم رئیس - آقای عظیمی (اجازه) عظیمی - بنده موافقم

عظیمی - بنده فقط میخواستم توضیح بدهم که این پنجاه تومان از چه محل است عماد السلطنه مغیر - در سال گذشته هم این پنجاه تومان رامی گرفته است منتها دوسینه بود يك قلم بیست تومان و يك قلم سی تومان و بموجب پیشنهاد دولت به يك صیفه پنجاه تومان در حق او بر قرار شد امسال همانطور پیشنهاد کردند کمیسیون هم تصویب کرد رئیس - آقای مشار اعظم (اجازه) مشار اعظم - باین توضیحی که آقای عماد السلطنه فرمودند خوب بود در ماده هم همین طور توضیح داده می شد که این پنجاه تومان مطابق این سابقه بوده است مغیر - این اقدام در سال گذشته شده و امسال هم مطابق سال گذشته رفتار شده است در سال گذشته هم همین پنجاه تومان را می گرفته است تنها ابتدا يك سی تومان و يك بیست تومان که در دست و کتاب ثبت میشده است می گرفته بعد دولت پیشنهاد کرد که يك صیفه شهریه در حقش بر قرار شود مستمرش عوائدی کرده و باین وسیله سلطنت را رواج بادی موقوف شد و فقط پنجاه تومان شهریه مادام العیوه در باره اش بر قرار شد. رئیس - رأی میگیریم بر راپورت کمیسیون بودجه آقایانی که این راپورت را تصویب می کنند ورقه سفید والا ورقه کبود خواهند داد. اخذ و استخراج آراهیصل آمده نتیجه به ترتیب ذیل حاصل شد ورقه سفید علامت قبول ۸۰ رئیس - باقیش راهم بشمارید آقای میرزا شهاب - ۱۹ ورقه است رئیس - عده حضار صدو یک نفر است با اکثریت هشتاد رأی تصویب شد وزیر امور خارجه - بعد نامه تجارت بین ایران و روس که بر طبق اصل نوزدهم عهد نامه مودت بنایوده تهیه شود تهیه شود بین دولتم ایران و روس مورد قبول واقع شده است به مجلس تقدیم میشود وزیر مالیه - البته آقایان نمایندگان محترم از اهمیت مالی و اقتصادی دریاچه ارومیه کاملاً مستحضرنه هستند چون دولت در نظر گرفته است که در آتیه امور دریاچه بکلی در دست خودش باشد و به هیچوجه نفوذ خارجی در آنجا دخالت نداشته باشد و سکتتهائی در آنجا هست و چند نفر اتباع روس و انگلیس در دریاچه متصرفاتی داشتند دولت خیال دارد آنها را خریداری نماید لایحه راجع باین موضوع تهیه و تقدیم مجلس شورای ملی میشود رئیس - لایحه آخری مراجعه میشود بکمیسیون بودجه ولایحه اولی بکمیسیون تجارت و خارجه بعضی از نمایندگان - صحیح است رئیس - لایحه امتیاز نفت از ماده سیزدهم مطرح است آقای مشار اعظم (اجازه) مشار اعظم - باین توضیحی که آقای

مشار اعظم - قبل از اینکه بنده داخل صحبت بشوم عرض میکنم اینطور بنظر رسیده است که این امتیاز نامه بطوریکه لازم بوده است تنظیم نشده غالب مطالب آن بر می خورد بیک ابهامانی که محتاج بتفسیرات و تفسیراتی خواهد بود و البته تمیز و تفسیر هم در اطراف مواد قانونی هست به ما يك اشکالاتی خواهد بود این يك موضوع علیحده است که باید در موقع مطرح شدن این لایحه در کلیات اظهار میشد و نشد. در این ماده سیزده که اصول منافع ما بر آن است منفعت دولت را خواسته اند رعایت کنند و در آن قسمتی که سهم دولت را معین کرده اند میشود خیلی ایرادات وارد کرد سکه تمام هم صحیح و بجا باشد. زیرا ما از اعطای این امتیاز مقصود جز رعایت مسائل اقتصادی نداشته ایم و میخواستیم در مقابل این مقصود تسبیل يك يك صیفه شهریه بر قرار شود مستمرش عوائدی کرده و باین وسیله سلطنت را رواج بادی و ترقی ببریم. لهذا البته بایستی ما کاملاً وقت می کردیم که با اعطای این امتیاز يك عایدات و منافع کافی تهیه کرده باشیم که پدر ما بخورد که بتوانیم بوسیله آن عایدات يك کارهای جدیدی کرده و يك استفاده های کلی کرده باشیم. ولی چون این امتیاز سابقه داشته و با کبابی امریکائی هم مذاکراتی شده است و در آن اظهار نظر هم سکرده اند ممکن است تغییر آن امکان پذیر نباشد بنابراین در آن باب اظهار نمیکنم الا اینکه میگویم در موقعی که این امتیاز را منقد کرده اند توجه کافی نشده است ولی چیزی که عجلتاً در آن میشود حرف زد بصره يك اینده است. بصره يك خواسته است عایدات خالص را از عایدات غیر خالص ممتاز کند زیرا منافع مهم از عایدات خالص است و در عایدات غیر خالص مانظری نداریم در اینجا مینویسد: عایدات خالص هر سال عبارتست از عایدات غیر خالص منهای کلیه مخارج به درین الهالاین يك شرحی می نویسد که آنهم عجلتاً مورد نظر بنده نیست و مسترزه است در آنجا مینویسد باید مغایر موجه باشد و دولت هم تقیضات کامل میکند. بعد مینویسد از قبیل مزد عهله جات و سوخت و مخارج اداری و مخارج استقراری و قبت مواد اولیه و مصالحی که بکار برده میشود یا در بین ضلعات تعمیر و یا به مصرف میرسد و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمی توان آنرا جزو سرمایه مصرفی بحساب آورده باینستای مواد ذیل استثنای

مواد ذیل گمان میکنم بر میگردد به و همچنین کلیه مخارج که در واقع نمیتوان آنرا جزو سرمایه مصرفی بحساب آورد بعد مینویسد: اولاً سهم دولت ایران از بابت این امتیاز ذکر سهم دولت ایران از بابت این امتیاز من هر چه فکر میکنم مطابق تصریح خود این امتیاز نامه صد بیست از عایدات خالص است و بطور تصاعد هم شرح داده شده است بجه مرحله که رسید بقدر اضافه میشود بنظر بنده دیگر ذکر این جمله مورد نداشته مگر اینکه بخواهم بعدها در این قسمت يك مباحثات تازه بکنیم و يك تمیزیاتی بکنیم که معلوم نیست این تعبیرات بجا بر می خورد بعد از آن مینویسد: منافی که ما بین صاحبان سهام توزیع میشود مالیاتهای دولتی و یا بلدی که در امریکا پرداخته شود طبیعی است این دو قسمت اگر ذکر لازم بوده و ذکر کرده اند بایستی جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نشود و منظور هم اینطور بوده است مقصود این بوده که اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نشود ممکن است صرفه ما نماین شود والا اگر اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب شود یا مالیاتهای بلدی را که در امریکا میدهند جزو مخارج عایدات غیر خالص قرار دهند دیگر برای ما عایدات خالص باقی نیماند که از آن صاحب سهم باشیم. شاید در کمیسیون تمیز کنند که اینها جزو مخارج عایدات غیر خالص محسوب نمی شود. بنده هم گمان میکنم همینطور باشد و غیر از این نباشد الا اینکه ابهام عبارت طوری است که معلوم نیست مقصود از ذکر این اول و ثانی و ثالث چه بوده در صورتی که هیچ لزومی هم نداشته و عایدات خالص آنهاست که قبلاً شرح داده شده است. دیگر محتاج بتکرار نبود. يك قسمت دیگر که بنده را متوجه کرده این است که این قسمت (از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود) تصور میکنم در نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده بود اینجا سر سطر ننوشته اند و در موقع قرائت متصل است در صورتیکه مقصود از این عبارت چیز دیگر است ناچار از نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود اولاً هر گونه ریج و منافع سهام که بکبابی یا کبابیهای مزبور و شرکتهای فرعی آنها تقسیم میشود. بعد هم مینویسد (بدهی است که قبل از تقسیم) و اینها هم يك غایت مالی و شریه مالی شده است. اینها که عایدات خالص قبل از تقسیم اول منافع دولت ایران را چندان معلوم

است ولی اینکه اینجا مینویسد. هر گونه ربح و منافع سهام - منافع سهام همان (دیویداند) بود که قبلاً توضیح شده اما بخواهیم در نظر بگیریم که این جمله معنی منافعی که به اشخاص توزیع میشود (دیویداند) جزو عایدات غیرخالص میشود و اینطور توضیح شود که باید از عایدات غیرخالص موضوع شود.

این معارض با آن قسمت میشود و این معارض هم یک اشکالاتی فراهم خواهد نمود بنده تصور میکنم این ماده با این ترتیب که نوشته شده از نقطه نظر تمییز و تفسیر در آیه ما را دچار اشکالاتی خواهد نمود و لازم بود که اینجا بطور صریح مقصود را معین کنند

مخصوصاً چون ذکر کرده سرمایه مصروفه به هم در تبصره دوم سرمایه مصروفه را مینویسد.

مقصود از جمله (سرمایه مصروفه) مذکور در فوق کلیه سرمایه است که برای این امتیاز توسط کمیته یا کمیتهای یا شرکتهای فرعی به کار برده شده ممکن است یا آنها هم عنوان سرمایه مصروفه داده شود و با این ترتیب اشکالات بیشتر خواهد شد به عقیده بنده اگر آقای ممبر محترم کیسیون موافق باشند این ماده تائید به کیسیون مراجعه شده تحت مطالعه در آید و هیات ازش راطوری ساده بنویسد که هیچ نفاذی باشد و این اشکالاتی که بنظر بنده رسیده است رفع بفرمایند و اگر هم اشکالاتی که هر مضر در آید نیست بگطوری توضیح بفرمایند که آقایان نمایندگان محترم هم مطلب را خوب درک بکنند و اشکالاتی باقی نماند.

مغیر - گمان میکنم آقای مشارعظم فراموش فرمودند که در روز در فرمایند یا جای دیگر نباشد که این اعتراضاتی که بماده می فرمایند وارد نباشد لهذا عرض می کنم این ترمیماتی که بماده فرمودند بنده هیچکدام را وارد نمی دانم.

یک اعتراض بکلیه لایحه فرمودند که بطوری نوشته شده در صورتیکه در تمام بین چند روزی که این جا مذاکره بود و آقایان در این ده دوازده ماده خیلی زیاد اعتراض فرمودند بنده تا بحال هر چه نگذاشته ام اعتراض واردی که راستی راستی وارد باشد ندارم.

بنده که یکی از اعضاء کیسیون هستم و آقایان وزراء هم که تشریف دارند بنده در این باب شریکند که این لایحه بطور خوبی نوشته شده.

البته اگر یکجائی یک چیزی داشته باشد برای رفع آن حاضریم - اینجا نسبت باین تبصره اظهاراتی که فرمودند شاید بواسطه تصور فهم بنده باشد که درست ملتفت نشدم و خیلی مشکل

است بر من جواب دادن یک چیز هائی درست بآن برنخوردم.

حالا شاید آقایان دیگر اینجا بهتر از بنده ملتفت شده باشند و در ضمن توضیح ایشان جواب بدهند.

لکن یک نکته اینجا هست و آنست که آن قسمتی که فرمودند در نسخه فرانسه سر سطر نوشته شده و در این نسخه سر سطر نوشته نشده صحیح است و گمان میکنم کیسیون هم مخالفتی نداشته باشد که اصلاح شود.

یک نکته دیگر هم بود که گفتند در قسمت اول (دیویداند) را استثناء کرده اند و در قسمت دوم منافع سهام را وارد کرده اند.

این دو با هم شبیه نیست. آن دیویداند اول راجع به سهام شرکاه کمیته اول است و یک عالی دارد که اگر دقت بفرمایند باید حساب شود.

ولی قسمت ثانی راجع بمنافع سهامی است که کمیته اول بکمیتهای فرعی میدهد این را باید حساب کنند و اگر حساب نکنند باید دو جا هم دولت را بدهند حساب کمیته اولی را که رسیدند به حساب کمیتهای دیگر میرسد اگر منافع آنها را ندهند باید صد بیست دولت را بکمیتهای بدهند و یکجا آنجا دو جا که میشود رئیس آقای محمولی میرزا (اجازه)

محمولی میرزا یک قسمت از اعتراضات آقای مشارعظم جواب داده نشده که خیلی هم مهم بود.

یکی این قسمت که مینویسد: اولاً سهم دولت ایران از بابت این امتیاز و جوایبی که داده شد از ثانی شروع شد.

آن سهم دولت بقیه بنده همانطور که آقای مشارعظم اظهار داشتند محتاج بذکر نبود که سهم دولت جزو چیزهائی که باید منها شود و بعد عایدات خالص بدست بیاید ذکر شود و ذکر این جمله ضرورت ندارد.

بعلاوه در تعقیب همان تبصره مینویسد ثانیاً هر گونه خسارتی که در هر سال وارد بیاید در این خصوص بنده در جلسه گذشته هم ایراد کردم که هر گونه خسارت عبارت از چیست بوجهی گونه تمییز میشود شاید یک چیزهائی بنظرشان رسیده و اینجا نوشته اند خوب است توضیح بفرمایند که هر گونه خسارت چیست؟

یک مسئله دیگر که میخواستم توضیح بفرمایند این بود که آیا مرکز محاسبات این کمیتهای در کجا خواهد بود آیا در ایران است و نماینده دولت و وزارت فوائد عامه دسترسی بدفاتر کمیتهائی خواهند داشت؟

یا غیر مرکز در آمریکا خواهد بود و این یک مسئله است که فوق العاده قابل

اهمیت است و لازم است در اینجا توضیح شود که مرکز محاسبه کمیتهای در کجا خواهد بود آیا مثل مرکز محاسبه کمیتهای نفت جنوب که در ایران نیست و در لندن است مرکز محاسبه این کمیتهای هم در خارج یعنی در آمریکا است یا غیر در ایران است؟

وزیر امور خارجه - در قسمت سهم دولت که می فرمایند ذکرش لزومی نداشت این یک احتیاطی است که شده است و بنظر ما ضرری نداشته و مقید هم بوده است تا در موقع محاسبه منافع آنچه کمیتهای بدست میدهند آن را جزو مخارج حساب نکنند فرضاً اگر هم این جمله زائد باشد مضر نیست و تصور میکنم مقید هم هست که بعد تولید اشکال نشود

در خصوص عبارت هر گونه خسارت که می فرمایند مهم است و مقصود از هر گونه خسارت چیست عرض میکنم اینجا مینویسد هر گونه خسارتی که در هر سال وارد بیاید و بواسطه بیب یا بیک نهی از انصاف تأمین نشده باشد

مثلاً فرض بفرمایند یک مقدار از محصولات و دارائی او آتش بگیرد و بوزد بر حسب اتفاق آن چیزی هم که آتش گرفته بیه هم نشده باشد

این یک خسارتی است که بر این مؤسسه وارد آمده و البته جزء مخارج محسوب میشود و تصور نمی کنم این قسمت ابهامی داشته باشد که محتاج به توضیح باشد.

راجع به مرکز محاسبه کمیتهای که فرمودند بنظر نمی آید که مرکزش چه در ایران چه در آمریکا باشد چندان تفاوتی داشته باشد

البته کمیتهای یک مرکز کل محاسبه دارد که در آمریکا است

در ایران هم شعب و دستگاه های مختلفی دارد که محاسبه هائی خواهند داشت و البته محاسبه اش در هر کجا باشد در تحت نظر دولت خواهد بود ولو در آمریکا هم باشد دولت حق تفتیش و رسیدگی را دارد.

رئیس آقای شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - در قسمتهای جاری که آقای مشارعظم گفتند بواسطه معین نشدن جمله های مترجمه و نگذاشتن هلال یک اشکالی تولید شده و گمان میکنم اگر عبارت جدا شود و یکی دو جایش در بین الهالای نوشته شود رقم اشکال بشود اما در این قسمت که مینویسد: هر یک از کمیتهای فرعی باید در سال از منافع خالص میلی که کمتر از صد بیست باشد بدولت ایران بپردازد

از ظاهر این عبارت اینطور معلوم میشود که دولت با کمیتهای فرعی مستقیماً طرف است

اگر مقصود اینست خوب است واضحتر نوشته شود

و در قسمت اینکه مینویسد: در مدت شش ماه اول هر سال میلی که کمتر از صد بیست منافع خالص سال قبل بموجب دفاتر محاسبه خودشان باشد بدولت ایران بدهد

بنده نیغمانم سال قبل از سال اول کدام است

خوب است این راه توضیح بدهند مسئله دیگر که خیلی مهم است و می باشد آنکه کمیتهای قبول کرده است که اگر منافع اضافی مابین ۶۰ و ۷۰ باشد سهم دولت ایران را فلان مقدار و اگر مابین ۷۰ و ۸۰ باشد فلانقدر همیشه تا اینکه اگر منافع اضافی بیشتر از صد و پانزده درصد باشد صد بیست و هشت سهم دولت را بدهد هلت اینکه بیشتر از صد و پانزده درصد را بتمامان رسیدن متخصمین فنی تصدیق کرده اند که منافع اضافی بیش از این نباشد و آن مسئله است حلیمه والا بقیه من ممکن است بکوت منافع اضافی بدویست درصد هم بالغ بشود خوب است همانطور که تا صد و پانزده درصد بطور تصادف سهم دولت معلوم شده بیش از آن را هم معلوم کنند که اگر یک وقت منافع اضافی بیش از صد و پانزده درصد شد ضروری متوجه دولت ایران نشود و در همین باب پیشنهادی هم کرده ام که تقدیم میدارم.

آقای مغیر اگر جوابی دارند بفرمایند اگر بنده قانع شدم که هیچ و الا بقیه عرضم را در موقع توضیح پیش نهاد عرض میکنم

مغیر - در قسمت راجع باینکه آیا معامله مستقیم با کمیتهای فرعی میکنیم یا غیر که فرمودند توضیح شود بنظر بنده این عبارت خیلی واضح است توضیح بیشتری هم لازم ندارد مقصود همانست که گفته اند یعنی مستقیماً به حساب کمیتهای فرعی رسیدگی میشود.

این را باید در نظر داشته باشند وقتی که ما در منافع تمام کمیتهای فرعی ذبح باشیم.

دیگر قید اینکه مستقیماً برویم بآن کمیتهای راجع به محاسبات مذاکره کنیم هیچ احتیاج ندارد

بعلاوه بنده شما را مراجعه می دهم بآن ماده یازده که مراجعه شد بکیسیون که در آنجا مخصوصاً قید شده است که با بودن کمیتهای فرعی هم صاحب سهام همان کمیتهای اصلی صاحب امتیاز است و مقصود ما از این توضیح این بود که صرفاً گفته باشیم نسبت بعایدات و منافع ولی این مربوط نیست که بقیه ما

هر یک از این کمیتهای فرعی فریب فریب هستیم و همین عبارت کافی است

در موضوع سال قبل هم که فرمودند البته شاید در بادی امر اینطور به نظر می آید که آن سال اول سال قبل ندارد ولی البته تصدیق میفرمایند که تا یکسال تمام نشود عایدات ندارد

شش ماه بعد از آنکه سال اول تمام شد تازه محاسبات کمیتهای روشن میشود و عایدات آن سال اول معلوم میشود آنوقت در آن شش ماه اول یاد هم میتوانیم عایدات سال اول را بگیریم

در این موضوع اگر دقت بفرمایند تصدیق میفرمایند که هیچ اشکالی ندارد اما در موضوع تصادف که فرمودند اینجا نوشته شده است:

در گاه منافع اضافی بیشتر از یکصد و پانزده درصد باشد صد بیست و هشت به دولت داده خواهد شد

حالا آیا متخصمین تشخیص داده اند که منافع اضافی نفت ممکن است بالا تر از این هم برود یا نرود

بعضی که منتقد بودند بیشتر از این ممکن نخواهد بود و این مسئله را واگذار میکنند بکمیتهای نمایندگان دولت که جواب عرض کنند

رئیس آقای اشگر (اجازه)

اشگر - بنده هم از آقایان نمایندگان محترم استعفا میکنم که براضی بنده از نقطه نظر صحت و سقم مطالب ملاحظه فرمایند نه من باب اینکه درجه فرا کسبونی هستم.

شاهزاده شیخ الرئیس - هیچکس هم چه نظری ندارد

اشگر - استعفا بود انشاء الله هم نیست و ثانیاً هم از آقای مغیر استعفا میکنم بدون اینکه توجهی بمشاورات غیر صحیح بعضی از جناب بفرمایند هر ابضی را که بنده دارم با دوا داشت بفرمایند و یکی یکی جواب بدهند

ما نیاحتی بواسطه اعتراضات بعضیها هصبانی بشوم و آن وظیفه را که هر کس دارد از دست بدهد

البته وظیفه بنده که یک فرد ازو کلا هستم اینست که اگر یک چیزی را می بینم بضرر مملکت است اینجا عرض کنم و البته قبول یا عدم قبول آن منوط با کثرت آراه نمایندگان محترم است و وظیفه آقای مغیر هم هست که اگر یک چیز نا صحیحی عرض کردم رد کنند و اگر چیز صحیحی باشد قبول بفرمایند که روی صرفه رنجه این مذاکرات یک امتیاز کداده میشود امتیاز صحیحی باشد و در آیه اسباب زحمت و اشکال فراهم نیارود البته در خارج سوخته ای میشود ولی این مربوط نیست که بقیه ما

رازنه می کنند ما بایستی آنچه بنظرمان میرسد برای مصالح مملکت عرض کنیم و آنهم از دو حال خارج نیست یا صحیح و وارد است

آقایان نمایندگان هم چندان قبول می فرمایند باین فرماید

با اشتباه است البته اشتباه هم رفع می شود

ماده سیزده بقیه بنده خیلی مفصل است و خیلی عباراتش در بعضی جاهه مل وغیر مفهوم است

در بعضی جاها هم اصلاحات اساسی زیاد دارد من جمله اصلاحات عبارتی هم چند فقره دارد که بنده بترتیب عرض می کنم

اینجا نوشته شده است سهم دولت از بابت این امتیاز لا اقل معادل بیست درصد از عایدات خالص کمیتهای صاحب امتیاز در صورتیکه مستقیماً تمام انصافی از آن امتیاز را بموجب عمل بگذارند

کلمه (در صورتیکه مستقیماً) که اینجا نوشته شده است مفهوم مخالفتش اینست که مستقیماً معاذله نکنند و در بادی نظار این طور میفهمند که این عبارت اجازه می دهد بکمیتهای که اجازه بدهد بیک کمیتهای دیگر خودشان مستقیماً با دولت طرف حساب بشوند

در صورتیکه از اول تا بحال که در اینجا مذاکره و گفتگو شد قرار بر این داده شد که بیک کمیتهای مستقل امریکائی معصوم این امتیاز داده شود و در مقابل عبارات این امتیاز تا بحال و بعد از آنهم که بنده نگذاشته ام همیشه مسئول مملکت ایران کمیتهای صاحب امتیاز شناخته شده در انصورت عبارت در صورتیکه مستقیماً که در اینجا نوشته شده است البته بقیه بنده بی مورد است پس از آنکه بکمیتهای اجازه داده شده است

که یک کمیتهای فرعی به مسئولیت خودش تشکیل بدهد

اینجا مثل این است که ما مسئولیت را از صاحب امتیاز بکلی سلب میکنیم و چون مجلس نباید یک چنین جمله بنویسد که در آیه اسباب زحمت شود این است که استعفا می کنم باصل فرانسه اش هم مراجعه بفرمایند

چون متأسفانه اصل فرانسه چاپ نشده که ما بتوانیم تطبیق کنیم

لذا خوب است مراجعه بفرمایند به پیشنهاد اصلاحات باینست

و اگر هست در صورتیکه قبول میکنند تصحیح بفرمایند

اینجا یک عبارتی دارد که در صورتی که مستقیماً نوشته شده است

در صورتی که مستقیماً تمام یا یک قسمتی از این امتیاز را بوقع عمل بگذارند

هر کمیتهای و کمیتهای و شرکتهای فرعی خواهد بود

این جمله یک اصلاح عبارتی لازم دارد هر خودش لفظ جمع است و بجای این بنده یک پیش نهادی هم کرده ام که نوشته شود هر کمیتهای و شرکت های فرعی خواهد بود

هر کمیتهای و کمیتهای شرکت های فرعی عبارتش صحیح نیست این اصلاح عبارتی جزئی است ولی در این جا بر می خوردیم به عقبه این عبارت که نوشته شده است

که مطابق ماده ۱۰ برای اجرای این امتیاز در صورتیکه ماده دهم هنوز تصویب مجلس نرسیده است

آقای سید یعقوب این ماده ۱۰ است ماده دهم چیست؟

مغیر - صحیح است ماده دهم سابق که ماده یازدهم شده رجوع بکیسیون شده است

اشگر - در اینجا اولاً این ماده دهم باید یازدهم شود چون یک ماده اضافه شده است و بعلاوه قبل از آنکه آماده که مرجوع الیه است تصویب شود تصدیق میفرمایند نمی شود این ماده را که رجوع میشود بآن ماده تصویب نمود بدون نوشته میشود

اهم از اینکه کمیتهای مزبور برای بدست آوردن مواد یا برای حمل و نقل و تصفیه یا فروش مواد راجعه بامتیاز باشد و خواه در ایران و یا در خارج تشکیل شود

این عبارت اجازه میدهد بکمیتهای که برای بدست آوردن مواد و حمل و نقل و تصفیه و یا فروش مواد در ایران هم در خارج میتوانند تأسیساتی بکنند بنده با اینکه دارال تصفیه در خارج تشکیل عهده مخالفم و همانطوریکه رفقای بنده در جلسه قبل فرمودند بنده معتقدم که برای این امتیاز که ما کوشش میکنیم نقطه نظرمان این است که یک ترونی از خارج وارد این مملکت بشود و در همین بابکار ببقته و مثل کمیتهای نفت جنوب نشود که یک مبلغ هنگفتی میبیرد بظرفه برای تصفیه مواد نفتی و از منافع خالص کسر میشود و این بقیه است که از تمام مخارجی که برای دارال تصفیه در خارج میکنند یک صد بیست و یوش را از ما میگیرند و بعد هم دارال تصفیه متعلق به خودشان است بنده باین ترتیب که در خارج کردن بآنها شرکت داشته باشیم ولی در فایده بردن حقی تبریم مخالفم اگر بنا است که از عایدات کمیتهای از منافع خالص که صد بیست حق ما است بکسب مخارجی در خارج برای دارال تصفیه بشود یا باید ما هم شرکت داشته باشیم بنده بیست سهم خودمان که در آن دارال تصفیه خرج کردیم یا اینکه این عملیات در داخله بشود که هم مردم بکار ببقینه هم ترونی در خارج مصرف نشود بعلاوه مینویسد کمیتهای صاحب امتیاز یا کمیتهای کمیتهای باین ترتیب تشکیل شود در صورتیکه ترتیب

تشکیلش در فوق ذکر شده (باین ترتیب) عبارت عبارت (و همچنین شرکتهای فرعی آنها در مدت شش ماه اول هر سال میلی که کمتر از صد بیست منافع خالص سال قبل بموجب دفاتر محاسبه خودشان نباشد بدولت ایران خواهند پرداخت)

عبارت صحیحی نیست

همچنین عبارت (و همچنین شرکتهای فرعی آنها در مدت شش ماه اول هر سال میلی که کمتر از صد بیست منافع خالص سال قبل بموجب دفاتر محاسبه خودشان نباشد بدولت ایران خواهند پرداخت)

عبارت صحیحی نیست بنده بوجوب تجربه عرض میکنم و گذار کردن حساب بخود طرف مقابل طبیعتاً اگر برای طرف دیگر معامله ضرر نداشته باشد منتفع هم نخواهد داشت و در این باب پیشنهادی هم کرده ام و بیه تقدیم میکنم که مضمون آن پیشنهاد این است:

که اضافه شود بموجب دفاتر محاسبه خودشان و تفتیشی که از طرف دولت ایران میشود یا اوربورت مأمور دولت ایران است قضیه بکلی بطرفی نباشد از طرف مقابل هم یک اطلاعاتی راجع باین محاسبات باشد البته وقتی قلم در دست یک نفر افتاد از طرف هر چه میخواهد مینویسد و البته هر که باشد نمیکنند که منتفع خودش بنویسد و بنابراین سعی برای منافع از یک طرف موجب ضرر طرف دیگر خواهد بود دیگر اینکه اینجا نوشته شده است برای اینکه دولت ایران از منافع اضافی که ممکن است از صلیات این امتیاز حاصل شود بهره مند گردد سهم دولت از عایدات خالص بموجب تصادف ذیل خواهد بود:

هر گاه منافع اضافی مابین ۶۰ و ۷۰ درصد از سرمایه مصروفه باشد سهم دولت بیست و یک درصد از منافع خالص در صورتیکه قبلاً در همین ماده ذکر شده است که سهم دولت ایران صد بیست از منافع خواهد بود یعنی یک خمس منافع متعلق بایران خواهد بود اگر یک منافع اضافی هم پیدا شود طبعاً بایستی باین ترتیب بالا برود

مدرس - همین نیست اشگر - و همین ترتیب بالا برود ما در نسبت منافع در چند سطر قبل معتقد شدیم که ده دو مال ما است

یعنی صد بیست ده دو میشود و همین نسبت هم باید بالا برود و لذا بنده معتقدم که از خصلت تاهفتاد بیست و دو و از هفتاد تا هشتاد بیست و چهار و از هشتاد تا نود و بیست و شش و به همین ترتیب بالا بروی است

که بگوتی یک کمیتهای یک امتیاز را میگیرد و یک کاربیرا هم میکند و در مقابل کارش پیشرفت میکند یعنی همین طوری که ممکن است یکدفعه ضرر بکنند ممکن است یکدفعه هم صد بیست منافع ببرد در آنجا مقرر گذاشته ایم که اگر صد و دو یا صد سه منافع ببرد صد بیست باید بدهد هر گاه صد و هشت و صد هفتاد برسد آنوقت هم یک نسبتی معین شده است که بآن نسبت باید بالا برود و بنده تصور میکنم که اگر از نسبت صد و هشت و صد هفتاد

بیلا چیزی برای ما منظور نکرده اند یک تقسیم غیر عادلانه شده است زیرا اگر ما شرکت داریم و یک قسمت از این شرکت مال ما است باید مطابق معمول تمام دنیا هر چه منافع زیادتر شد دو منافع بطور تساوی چهار تامل او باشد یعنی از سد تا بیست بیست تامل مال او باشد یعنی مال او قیاسی تریبی داده شود که بعد از آنکه بیشتر از آنچه منظور نظر است منافی حاصل شود بنا چیزی نرسد این دلیل ندارد.

در تبصره یک مینویسد: کلیه مضارح در بین الهالین مینویسد (مشروط بر اینکه مضارح موجه و صحیح باشد نه اینکه برای معنی داشتن منافع واقعی قلمداد شده و بلکه برای حسن اداره امتیاز باشد و در صورت دولت ایران حق تام و غیر محدود خواهد داشت که تمام محاسبات و دفاتر کمیته یا شرکتهای فرعی آنها را رسیدگی و تقشیر نماید) این جمله این جا خیلی بیجا است ولی چیزی که هست مطابق موادی که ملاحظه خواهید نمود دولت فقط یک کیس را در و البته یک کیس نمیتواند در تمام محاسبات سالیانه آن کمیته و کمیتههای فرعی رسیدگی کند.

پس آن قسمت هملا این قسمت در انص می کند بنده عرض میکنم باید این کلماتی که در بین الهالین نوشته شده است صورت رسمیت و قلمبند داد و به همین نوشتن تنها قناعت نکنید.

این یک مضارحی بود که شروطی داشت مثلا نوشته میشود از قبیل مزد عملیات

ولی در این امتیاز نامه معلوم نکرده است که مزد آنها چقدر است و مسکن آنها کجا خواهد بود و کمیته با عملیات چه معامله خواهد کرد اینها هیچ نیست بنده که هر چه از اول تا حالا در امتیاز نامه کسرت راجع به عملیات و راجع به مسکن مزد و طرز زندگانی آنها چیزی ننویسد ولی مزد عملیات در کس کردن مضارح یعنی پرداخت مضارح محسوب شده خیلی خوب از قبیل مزد عملیات و سوخت و مضارح اداری و فلان اینها را قبول کردیم دیگر مضارح استقراض کدام است؟

در مواد قبل نوشته شده بود تمام مضارحی که کمیته برای راه انداختن اینکار مصرف میکند و سرمایه خود را بکار میاندازد این قسمت که قبلا ذکر شده بود که خود کمیته مستقیماً این را اداره میکند و پول واه میاندازد و با اینکه کمیته های فرعی تشکیل میدهند و در آن ماده بیش جزو فروش نفت اینها ذکر شده بود که تمام سرمایه استهلاك خواهد شد و ربش هم معین شد و پیشنهاد های بنده هم متأسفانه قبول نشد حالا این جا چرا دو باره مضارح استقراض نوشته

شده مضارح استقراضی یک مضارح فوق العاده دیگری نیست اگر یک استقراضی میکنند و یک ربی بر او تعلق میگیرد این همان استقراضی است که برای سرمایه میکنند و ربح آن هم درآمده قبل در موقع استهلاك سرمایه معین شده و دیگر این جا یک ذکر علیحده برای مضارح استقراضی مینویسد بنده زائد است.

هدرس - دوباره بفرمائید اخگر - نوشته میشود (عایدات خالص هر سال عبارتست از عایدات غیر خالص منهای کلیه مضارح از قبیل مزد عملیات و سوخت و مضارح اداری و مضارح استقراضی)

بنده این را خیلی زانمیدانم (وقیبت مواد اولیه و مصالحی که بکار برده میشود) ذکر اینها هم اینها مورد نداشتن زیرا درآمده قبل ذکر شده است تمام مضارحی که کمیته میکنند منها خواهد شد دیگر تکرارش در این جا لزومی نخواهد داشت بعد مینویسد:

(یا در بین عملیات تعمیر و با مصرف میرسد و همچنین کلیه مضارح که در واقع نمی توان آنرا جزو سرمایه مصروفه بحساب آورد)

بنده با عبارات مجمل و مبهم بکلی مخالفم.

آقای مخبر توجه مینمایند؟ مخبر - بلی بفرمائید اخگر - این جا نوشته شده است: (که همچنین کلیه مضارح که در واقع نمی توان آنرا جزو سرمایه مصروفه بحساب آورد)

خرجی که جزو سرمایه مصروفه بیاید و جزو مضارح مذکوره در فوق نباشد بنده نمی دانم چه چیز است و عبارتی که این جا نوشته شده و مقصود از نوشتن این عبارت نتیجه که از آن حاصل میشود چه خواهد بود؟ بنده نمی فهمم! بعد نوشته می شود (باستثنای مواد ذیل) مقصود از استثنا گونا گوی است که اینها جزو مضارح محسوب نمی شود و از عایدات خالص کسر نمی شود و جزو عایدات خالص خواهد بود این هم بقیه بنده درست مفهوم نیست دیگر اینکه نوشته میشود:

(سهم دولت ایران) در صورتیکه از سابق میدانیم که دولت ایران و اتباع ایران سهمی دارند و البته اگر در این جا ذکر سهم دولت را لازم میدانند باید سهم اتباع ایران هم ذکر شود و استثناء نشود ثالثاً این را بنده توضیح می خواهم این جا نوشته شده است (مالیتهای دولتی و بلدی که در امریکا پرداخته شود)

مقصود این است که این مالیات که در امریکا پرداخته می شود از حیث بلدی یا غیر بلدی اینها بایستی از منافع خالص کسر شود و اصلاً جزو حساب نباید بیاینکه جزو مضارح محسوب شود و علاوه بر این عبارت طوری است که دو جمله است که بهم چسبیده

و در تحت آن نوشته که در امریکا پرداخته شود. از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود بنده تصور میکنم مابین این دو سطر یا فاصله لازم دارد یا اینکه یک عبارتی است که نمی شود چیزی از مفهوش ملتفت شد در این جا آنوقت یک اولاً و ثانیاً و ثالثاً دارد که نمیدانم به قسمت اولاً و ثانیاً و ثالثاً که مواد ذیل نوشته شده مربوط می شود.

بیا این قسمت آخر که می نویسد (از عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود)

و بعد در این جا نوشته شده است اولاً هر گونه ربح و منافع سهام که بکمیته یا کمیتهای مزبور و شرکتهای فرعی آن ها تقسیم میشود. ممکن است اینجا توضیحی بفرمائید که بنده ملتفت بشوم که این مرتبط بکجا است؟

مخبر - بعد از این که فرمایشاتتان تمام شد توضیح عرض میکنم. اخگر - در اینجا کمیتهای مزبوره باید باشد چون جمع است و دیگر اینکه نوشته شده است (ثانیاً هر گونه خسارتی که در هر سال وارد بیاید و بوسیله بیمه یا بیک تعوی ازانها تامین نشده باشد)

این تامین خسارات بواسطه بیمه و غیره بردو قسم است یا یک خسارتی است که بواسطه عدم تامین دولت حاصل میشود یا بواسطه بی احتیاطی و عدم مواظبت خود کمیته از نگاهداری اثاثیه و لوازم یمما میشود در اینجا هر دو قسمت منظور است همچو مفهوم میشود که اگر خسارتی وارد آید هم از اینک بواسطه بی مبالائی اعضای کمیته باشد یا بنده باید موضوع شود و در اینجا به قیود بنده فقط خسارتی که در اثر فورس ماژور یا اتفاقات غیر مترقبه سوازی پیش می آید که نمی شود جلوگیری از آنها کرد باید موضوع شود نه خسارتی که بواسطه بی مبالائی اعضاء کمیته رخ بدهد و موجب خسارت میشود البته ما که نمی توانیم بواسطه بی مبالائی اعضاء یا بواسه سستی یک شخصی که مربوط بمانیست ضرر بدهیم. دیگر نوشته میشود:

(و هم چنین مطالباتی که تعلل و تاخیر و سوخت بماند و در دفاتر محاسبه کمیته یا کمیته ها و یا شرکتهای فرعی آنها در عرض حال به حساب نفع و ضرر محسوب شده باشد)

این جا باید تفکیک شود که این مطالباتی که لاوصول میباشد و سوخت میشود اینها را باید تامین کنیم یا خیر این است که کمیته بایستی دقت بکند باینکه اعضاء طرف محاسبه باشد که محاسباتش لاوصول نماند و این هم دو قسمت مسکن است باشد

در این جا این جمله بکلی وجود جمله فوق را زائد میکند بجهت اینکه بگفته است از سرمایه مصروفه را در فوق شرح داده و بگفته است راهم در سابق ذکر نموده است بنده نمیدانم فایده یک عبارت طولانی فعلی چیست ؟ در صورتی که مسکن است

که با تصور از طرف ما باشد باز طرف آن ها این هم گمان میکنم باید تفکیک بشود دیگر این جا نوشته شده است: (ثالثاً از کلیه سرمایه که برای خرید اسباب و ادوات و ملزومات و ماشین آلات و کلیه اثاثیه که ممکن است بواسطه استعمال از قیمت آنها کاسته شود سالی صد هفت و نیم برای استهلاك محسوب خواهد شد)

یعنی از منافع خالص کسر میشود و به همین نسبت هم البته از منافی که باید عایدات غیر خالص برای تعیین منافع خالص باید موضوع شود) و بعد در این جا نوشته شده است اولاً هر گونه ربح و منافع سهام که بکمیته یا کمیتهای مزبور و شرکتهای فرعی آن ها تقسیم میشود. ممکن است اینجا توضیحی بفرمائید که بنده ملتفت بشوم که این مرتبط بکجا است؟

مخبر - بعد از این که فرمایشاتتان تمام شد توضیح عرض میکنم. اخگر - در اینجا کمیتهای مزبوره باید باشد چون جمع است و دیگر اینکه نوشته شده است (ثانیاً هر گونه خسارتی که در هر سال وارد بیاید و بوسیله بیمه یا بیک تعوی ازانها تامین نشده باشد)

این تامین خسارات بواسطه بیمه و غیره بردو قسم است یا یک خسارتی است که بواسطه عدم تامین دولت حاصل میشود یا بواسطه بی احتیاطی و عدم مواظبت خود کمیته از نگاهداری اثاثیه و لوازم یمما میشود در اینجا هر دو قسمت منظور است همچو مفهوم میشود که اگر خسارتی وارد آید هم از اینک بواسطه بی مبالائی اعضای کمیته باشد یا بنده باید موضوع شود و در اینجا به قیود بنده فقط خسارتی که در اثر فورس ماژور یا اتفاقات غیر مترقبه سوازی پیش می آید که نمی شود جلوگیری از آنها کرد باید موضوع شود نه خسارتی که بواسطه بی مبالائی اعضاء کمیته رخ بدهد و موجب خسارت میشود البته ما که نمی توانیم بواسطه بی مبالائی اعضاء یا بواسه سستی یک شخصی که مربوط بمانیست ضرر بدهیم. دیگر نوشته میشود:

(و هم چنین مطالباتی که تعلل و تاخیر و سوخت بماند و در دفاتر محاسبه کمیته یا کمیته ها و یا شرکتهای فرعی آنها در عرض حال به حساب نفع و ضرر محسوب شده باشد)

این جا باید تفکیک شود که این مطالباتی که لاوصول میباشد و سوخت میشود اینها را باید تامین کنیم یا خیر این است که کمیته بایستی دقت بکند باینکه اعضاء طرف محاسبه باشد که محاسباتش لاوصول نماند و این هم دو قسمت مسکن است باشد

در این جا این جمله بکلی وجود جمله فوق را زائد میکند بجهت اینکه بگفته است از سرمایه مصروفه را در فوق شرح داده و بگفته است راهم در سابق ذکر نموده است بنده نمیدانم فایده یک عبارت طولانی فعلی چیست ؟ در صورتی که مسکن است

باید عبارات مختصرتری که مطلب را بفساند نوشته میشد زیرا البته در عبارات طولانی بیشتر کشمکش تولید میشود و اسباب زحمت میشود تا در یک عبارت مختصر و مفیدی که بالاخره مقصود و نتیجه را معین میکند علاوه بر سرمایه مصروفه چه مربوط بقسمتی از منافع حاصله است که سرمایه افزوده شده است

امسال فرض بفرمائید ده تومان خرج شده و بیست تومان عاید شده و سایر بدهم بیست تومان خرج شده و سی تومان عاید شده سرمایه مصروفه همان ده تومان سال قبل است که خرج شده نه اینکه آن مضارحی که از منافع کمیته خرج میشود این را نباید جزو سرمایه مصروفه حساب کرد و منهایش کرد بنده نمی فهمم چه فلسفه دارد که منافی که از کار کمیته حاصل میکند آنرا باید جزو سرمایه مصروفه حساب کرد.

در این صورت هیچ منافع خاصی باقی نماند که سهم بدولت ایران برسد در این تبصره سه مینویسد: (مقصود از منقعت اضافی آن قسمت از منافع خالص است که بعد از وضع صد دوازده و نیم منقعت سالیانه سرمایه مصروفه باقی بماند)

یک سرمایه در آن واحد یک صد هفت و نیم برای آن ربح و یک صد هفت و نیم جای برای آن قابل شدیم

در همین حال یک صد دوازده و نیم هم اینجا باید اضافه کنیم و یک منافع دیگری برای سرمایه منظور کنیم در صورتی که بالاخره باز از منافع حاصله هم چهار قسمت مال کمیته است

و یک قسمتش متعلق بماند است این حسابهایی که شده است یک حسابهایی است که بالاخره اگر صد ملیون عایدی فقط شال باشد باین حسابها بنده گمان نمیکنم کسی هزار تومان هم دست ایران بیاید و این ماده بقیه بنده اصلاحات عبارتی و اساسی زیاد دارد و علاوه پیشنهاد میکنم

این جا یک اصلاح عبارتی کوچککی دارد که (یا) کمیتهای زیاد است (و در آخر هر سال معین خواهد شد) اهم از اینکه از فروش سهام باقرض باشد یا از آن قسمتی از منافع حاصله که سرمایه افزوده شده و برای اجرای این امتیاز بکار برده شده باشد)

مخبر - قبل از اینکه جوابهای آقای اخگر را عرض کنم یک مختصر اصلاح عبارتی در این ماده است. اخگر - بلندتر بفرمائید. مخبر - عرض کردم قبل از اینکه جواب های حضرتعالی را عرض کنم یک اصلاحاتی است که باید بشود و این را اول عرض میکنم اصلاح بفرمائید:

(از طرف نمایندگان - کجا؟) مخبر - ماده (۱۳) که دوازدهم سابق بوده (ماده ۱۳ - سهم دولت ایران از ارباب این امتیاز لااقل معادل بیست درصد از عایدات خالص کمیتهی صاحب امتیاز در صورتی که مستقیماً تمام یا قسمتی از این امتیاز را بوقوع عمل بگذارد) این جا این جمله باید علاوه شود

(و بیست درصد از عایدات خالص) هر کمیته و کمیتهای و شرکتهای فرعی این یک تکرار است که از نقطه نظر فهم مسئله لازم است و تطبیق بانسخه فرانسه هم شده است.

(بیست درصد از عایدات خالص هر کمیته و کمیتهای و شرکتهای فرعی) این (در صورتی که خود تمام یا قسمتی از این امتیاز را بوقوع عمل بگذارد) ...

مخبر - چون آقای ملک الشعراء تصویب فرمودند قبول میکنم (یا کمیته و کمیتهای) باین ترتیب تشکیل شود (این) دارد باید حذف شود نوشته شود: (به ترتیب فوق تشکیل شود)

در تبصره یک صفحه سیزده بعد از آن بین الهالین که حاری آن توضیح مفصل است یک (و) در جلوی از هر قبیل هست که زائد است

(نمایندگان - صحیح است) در صفحه چهارده تبصره دوم آقای اخگر اشاره کردند زائد است البته باید حذف شود

مخبر - در صفحه چهارده تبصره دوم (کمیته یا کمیتهای) در اعتراضاتی که پیاده سیزده شد قسمت اولش راجع باین بود که در ماده سیزده نوشته شده است (از عایدات خالص کمیتهی و صاحب امتیاز در صورتی که مستقیماً تمام یا قسمتی از این امتیاز را بوقوع اجرا بگذارد) و هر کمیته و کمیتهای و شرکتهای فرعی خواهد بود که مطابق ماده دهم برای اجرای این امتیاز تشکیل شود

نماینده معترض اعتراض کردند که مفهوم مغالط اینست که خودش میتواند این امتیاز را بوقوع عمل نگذارد و این متناقض یا آن نظر است که هیچ کمیتهی خارجه یا تبعه خارجه نباید در این کار دخالت کند بنده نمی فهمم این نتیجه را چگونه از این مقدمه که ذکر کردند میگیرند از

برای اینکه سطر بعدش این را توضیح میدهد که مینویسد: (هر کمیته و کمیتهای و شرکتهای فرعی خواهد بود که مطابق ماده دهم برای اجرای این امتیاز تشکیل شود) در این واگذار کردن بکمیتهای خارجی دیگری در بین نیست زیرا امروز که صاحب امتیاز میباید این امتیاز را بگیرد هم خودش می تواند عمل کند و هم مطابق ماده دهم سابق که ماده پانزده فعلی است مطابق شرایطی که ذکر شده است می تواند یک کمیتهای فرعی تشکیل بدهد و آنها را وادار کند که عمل بکنند این خیلی واضح است.

اما اعتراضی کردند راجع به ماده ۱۱ دهم سابق و گفتند مرجوع بکمیسیون شده البته تصدیق میکنم که این ماده را کمیسیون مسترد داشته است برای اینکه نسبت با اعتراضات بعضی از آقایان مذاکره شود بعد بیاید به مجلس ولی در همین حال بیورد نیست که در جواب این اظهاری که آقای اخگر میفرمایند بایشان عرض کنم که در آن ماده در کمیسیون خیلی بحث کرده ایم و در کمیسیون هم اصولاً تغییری نخواهد کرد و بنده بایشان اطمینان می دهم که در تبصره نکرده ماده در کمیسیون تردیدی درش نیست.

زیرا از مواد اساسی است و اعتراضاتی هم که شده است آقایان معترضین را قانع میکنم. ولی البته ممکن است در این ماده آقایان نظریاتی که دارند بفرمایند و مذاکرات در این ماده را خاتمه بدهند وقتی میخواهند رای بگیرند ممکن است این ماده و آن ماده را با هم رای بگیرند زیرا می دانیم که آن ماده هیچ تغییر اساسی نخواهد کرد و حالا خودتان را مطلع آن ماده نکنید و دیگر اینکه در موضوع دفاتر و محاسبات اعتراض فرمودند این گمان میکنم در جلسه قبل بیک مناسبت دیگری گفته شد و جواب هم داده شد و خوب است آقایانی که میخواهند اعتراضاتی بیاورند بکنند و حق هم دارند برای اینکه آقایان دیگر هم بشوند طوری اعتراضات را بفرمایند که یک اعتراضی را که بگردد و مخبر یا بکنند از اعضاء کمیسیون جواب داده است دیگر تکرار نفرمایند:

گفته شد که ما برای این محاسبات هر یک و طریقی یک کیس بیشتر نداریم این کیس چه خواهد کرد؟ بنده شتوال میکنم آیا در هیچ جای این ماده یا مواد دیگر محدود کرده اند دولت ایران را که توسط یک کیس این کار را بکنند؟

خبر اینکه ملاحظه میکنید یک مدیر ذکر شده برای این است که بکنند مأمور مخصوص برای نظارت کاری جای

باشد و یک حقوقی هم که بر کمیتهای تعیین کرده ایم باو بدهند والا تمام اعضاء ادارات وزارت مالیه و مفتشین با وزارت هامة می توانند بحسابات کمیتهای رسیدگی کنند چه در این جا و چه در آمریکا و ما می بیند این جا در یادداشتها می بینم اعتراض راجع به مضارح استقراضی شده در تبصره یک که گفتند نوشته از مزد عملیات و سوخت و مضارح اداری و مضارح استقراضی آقای اخگر راجع به مضارح استقراضی هست کردند از طرف آقایان خیلی هست خود ما هم از این اعتراضات خیلی داشتیم چرا؟

باشد و یک حقوقی هم که بر کمیتهای تعیین کرده ایم باو بدهند والا تمام اعضاء ادارات وزارت مالیه و مفتشین با وزارت هامة می توانند بحسابات کمیتهای رسیدگی کنند چه در این جا و چه در آمریکا و ما می بیند این جا در یادداشتها می بینم اعتراض راجع به مضارح استقراضی شده در تبصره یک که گفتند نوشته از مزد عملیات و سوخت و مضارح اداری و مضارح استقراضی آقای اخگر راجع به مضارح استقراضی هست کردند از طرف آقایان خیلی هست خود ما هم از این اعتراضات خیلی داشتیم چرا؟

از برای اینکه غالب این قبیل اعتراضات ناشی از اینست که ما در ملکتمان یک تأسیسات و شرکت هاو معاملاتی کسب سابقه ذهنی ما راجع بیک چنین قضایا بشود نداریم باین ملاحظه بسا جریانهای داخلی کمیتهای و معاملات اروپائی است که بآنها مسبوق نیستیم.

وقتی که می بینیم اینها بعضی چیز ها نوشته میشود و تکرار میشود بکجا با هم مضارح استقراضی میباید در یک ماده با هم استهلاك میباید جای دیگر بطور دیگر اسباب تعجب ما ها میشود اینها صحیح است و چاره هم نیست منتهی بعضی از آقایان نمایندگان از نقطه نظر ایسانی که بهمکارهای خودشان دارند شاید بدون این که قضایا را ملتفت شوند

تصدیق میکنند بعضیها هم توضیح میخواهند ما هم توضیح میدهم. تصدیق مینمایند یا نمیفرمایند در هر صورت در موضوع مضارح استقراضی عرض میکنم هر کمیتهی هر اندازه ثروت داشته باشد در معاملات وقتی می خواهد یک سرمایه تهیه بکند یا بکارها می بکند محتاج بقرض می شود باید قرض بکند و این قرض مضارحی دارد.

حق دلالتی دارد: خرج ننگراف دارد. خرج مسافرت دارد این را کجا باید حساب کرد؟ و از کجا باید داد؟

تمام این جزئیات غیر از ربح و استهلاك است اینها یک مضارحی است که برای تهیه استقراض لازم است باید هم نوشت (جایش هم اینجا بوده است که ذکر کرده ایم) چرا؟

از برای اینکه فراموش نفرمائید ما با کمیتهای شرکت میکنیم دولت ایران با کمیتهای شرکت است و این امتیاز در حقیقت مثل یک قرار داد و شراکت نامه است پس این چیز هایی که اینجا نوشته شده خیلی واضح و روشن است.

متأسفانه همان طور که عرض کردم